

فضل بن روزبهان و گرایش مذهبی او

کلیات

درباره زندگی فضل الله بن روزبهان، آگاهیهای فراوانی در دست است که کسانی به تنظیم و تبویب آنها همت گماشته اند. نخستین افرادی که در این باره قلم زده اند، با زحمت این آگاهیها را فراهم آورده اند. به دنبال آنها دیگوان، با تکمیل این آگاهیها، توانسته اند گوشه هایی از زندگی فکری و سیاسی او را روشن کنند.^۱ به دلیل وجود شرح حالهای مفصل، ما از تکرار آن مطالب خودداری کرده و تنها اجمالی از زندگی وی را به دست خواهیم داد.

به اجمال باید اشاره کنیم که منابع، وی این گونه معرفی کرده اند: فضل الله بن روزبهان بن فضل الله الامین^۲ ابوالخیر ابن قاضی باصفهان امین الدین الخنجی الاصل الشیرازی الشافعی الصوفی المشهور رخواجه ملا.^۳

وی از عالمان و دانشوران قرن نهم و دهم هجری است؛ تولد او به احتمال در میانه سالهای ۸۵۰ تا ۸۶۲ رخ داده و در گذشت او به سال ۹۲۷ بوده است.

ص: ۱۳

پدر او جمال الدین روزبهان بن فضل الله خنجی از علما و اعیان قرن نهم هجری و از رجال دولت آق قویونلو بوده است. وی که در اصفهان مشغول بوده، پس از شورش حاجی بیگ به تبریز احضار شده و با این حال مورد عنایت سلطان یعقوب قرار گرفته است. وی در آنجا کتاب ثمره الاشجار خود را به نام وی تألیف

۱. نک: مقدمه «مهمان نامه بخارا»، صص ۳۳ - ۳۴

۲. امین تخلص فضل الله بن روزبهان است

۳. این عبارتی است که سخاوی، استاد ابن روزبهان در الضوء اللامع ج ۶ ص ۱۷۱ در توصیف او آورده است.

کرده است.^۴ فضل الله در باره این وقایع می نویسد: و چون شهرت تمام دارد که اکثر فتنه ها و حوادث که در عراق (عجم) ناشی می شود منشأ آن سرداران اصفهانند تمام اکابر را به رسم نام بردار به آذربایجان آورد. پدر مرحوم این بنده جمال الحق و الحقیقه روزبهان اعلی الله درجته فی الجنان با آن که دستار سرداری را سالها بود که به تاج ترک تبدیل نموده و از مناصب و اجداد کرام بالکلیه اعراض فرموده بود و در کنج فراغی بقیه قناعت پرداخته و در گوشه باغی این ابیات حسب حال خود ساخته نشست بود (دو بیت) ... در این حال به اسم سرداری پدر و در عین شدت برودت مبتلای به بلای سفر شد و در دار السلطنه تبریز به رایات مسرت انگیز پیوست و به عز مجالست همان مشرف شد و رتبت مصاحبت یافت و کتاب ثمره الاشجار که تازه میوه بوستان فضل و کمال نوباوه طبع غزیر الافضال ایشان است ... در محفل همایون معروض داشت.^۵

جد او قاضی امین الدین فضل الله روزبهان، از شخصیت‌های مخالف شاهرخ بوده که در سال ۸۵۰ همراه جمعی دیگر از بزرگان ایرانی در ساوه کشته شده است. همراه وی فرزند برادرش مولانا عبدالرحمان روزبهان هم در آنجا کشته شده است.^۶

فضل الله که به نام جدش نامیده شده در اصل از شهر خُنج واقع در فارس بوده اما قاعدتا همراه پدرش در اصفهان بسر می برده است. فضل پس از تحصیل دروس مقدماتی، چند سال در مصر و سپس چندی در مدینه نزد استادان بنامی همچون امام محمد سخاوی و علی بن ابی عبدالله فیجی تحصیل کرده است.

ص: ۱۴

وی خود شرحی از دوران تحصیل خود نوشته است: «چون نقد روزگار صبی به نصاب رسید و صرف روزگار بلیاتم به نحو عربیات کشید تا در میان فضلاء متوسط بودم کفاف ذهن و طبع را از کافیه و بلغه لب و فهم را از لباب مرتب می داشتم. چون تصرفاتم رضی افاضل و مرضی هر عالم کامل شد، حواشی مطول بر تلخیص بیان مکمل می نگاشتم. در تضاعیف این حال مسافت عمر به حوالی هفده رسیده بود طایر سعادت در پرواز درآمد و از معاونت قضا نوبت ادای فریضه سفر حجاز شد... در اثنای این سفر خطیر به حفظ و قراءت حاوی صغیر فوز کبیر روی نمود. بعد از معاودت به شیراز که مسقط الرأس و مهبط استیناس است از رتبت مباحثه منقولات به اوج مطالعه معقولات تدرج دست داد ... در بیابان این سفر از سفر اربلب نظر متوحش بوده و باب استیناس مجنون آسا با غزالیات گشوده گاه در احیاء علوم دین و منهاج العابدین پیچ یده و گاه ورد معارف از روضه عوارف شیخ سهرورد چیده در دارالاسلام مصر مدتی ملازم مشایخ مغرب و اشعه فیوض الهی را از مشرق انفاس ایشان مترقب از آنجا شوق دیرینه که در مخزن سینه مخزون بود انگیزه تجدید زیارت مدینه

۴. لارستان کهن، ص ۱۸۲ - ۱۸۳ (احمد اقتداری، تهران، ۱۳۳۴ شمسی)؛ المعروفون من الروزبهانیة فی الکتب التاریخیة،

ص ۲۹۴ - ۲۹۵ (مجله المجمع العلمی العراقی، المجلد الحادی عشر و الثانی عشر، صص ۲۷۵ - ۳۸۸)

۵. عالم آرای امینی، صص ۱۷۴ - ۱۷۵

۶. المعروفون من الروزبهانیة فی الکتب التاریخیة، ص ۲۹۳ به نقل از تاریخ دیاربکر، ج ۲، ص ۲۸۸

... نموده مدت هفت ماه در آن آستانه حاضر و در روضه جنت نشانه مراقب مجاور بود ... بعد از اقامت حج و معاودت به شیراز مبالغه فضلاء و الحاح اذکیاء بر مذاکره علوم رسمیه و مدارس فنون شرعیه و عقلیه باعث آمد کتاب حل تجرید و حواشی بر حواشی شرح جدید و تعلیقات بر کتاب محاکمات در تضاعیف این اوقات سمت تدوین پذیرفت و بعد از فراغ از درس و مطالعه بعض اوقات را مصروف تألیف کتاب بدیع الزمان فی قصه حی بن یقظان می ساخت ...» پس از آن بخشی از مقدمه خود را بر کتاب بدیع الزمان که آن را به نام سلطان یعقوب نوشته نقل کرده است.^۷

ابن روزبهان سالهای چندی از دهه پایانی قرن نهم را هما نند پدرش نزد سلاطین آق قویونلو بسر برده و پس از آشفته‌گی در اوضاع آن دولت به اصفهان آمده است . او از این شهر که به احتمال در سه سال پایانی قرن نهم و دهه اول قرن دهم در آن سکنا داشته به عنوان منشأ و مسکن خود یاد کرده است . وی پس از غلبه صفویان بر ایران به هرات

ص: ۱۵

و ماوراءالنهر گریخته و هفده سال پایانی زندگی خود را تا سال ۹۲۷، که مرگش در آن سال رخ داده، در ماوراءالنهر در خدمت سلاطین شیبانی بوده است.

مهمترین کارهای او در آن دیار شرکت در برخی جنگها، تألیف برخی از آثار و تحریک سلاطین ازبک و نیز عثمانی در جنگ پ ضد صفویان بوده است.

در واقع حوزه فعالیت علمی و سیاسی او در مثلی واقع شده که سه زاویه آن عبارتند از آذربایجان، حجاز و ماوراءالنهر؛ به علاوه او چند سالی را در مصر و مدت مدیدی هم در اصفهان سکونت داشته تا آن اندازه که توانسته است خود را اصفهانی بنامد.

علاوه بر تشتت جغرافیایی در حوزه فعالیت او، یک نوع تشتت سیاسی نیز در عهد وی جریان داشته است. او پس از تحصیل، مدت زمانی در خدمت سلاطین آق قویونلو در آذربایجان بوده؛ بعدها چند سالی در فضای عراق عجم سیری کرده و همزمان با تهاجمات صفویان به این ناحیه، به ماوراءالنهر رفته و به خدمت سلاطین ازبک در آمده است. یک نوع تشتت فکری را نیز درباره وی می توان سراغ گرفت. او هم نوشته کلامی دارد که عبارت از حواشی او بر شرح مواقف و تجرید است؛ هم نوشته های صوفیانه و درویشانه دارد که فراوان در نوشته ها و نیز آنچه در شرح حال او آمده، موج ود است؛ و هم تمایلات فقیهانه آن چنان که در سلوک الملوک آورده است. به علاوه او مورّخی تواناست که توانایی اش را در «عالم آرای امینی» و «مهمان نامه بخارا» نشان داده است. از نقطه نظر فکری، او در باب تسنن و تشیع هم گرفتار نوعی تشتت بوده است، به طوری که در مواردی از زندگی اش به سمت تشیع و در مواردی دیگر به سمت تسنن گرایش داشته است؛ گرچه باید گفت که هیچگاه رسماً شیعه نشده است. در ادامه توضیحات مفصل تری در این باره خواهد آمد.

زمانی که شخصیت ابن روزبهان در چنین فضای متشتتی ترسیم شود، روشن خواهد شد که چه تصویر درهم ریخته ای از او بدست می آید. فردی صوفی منش که می خواهد بر اندیشه صوفیانه اش تکیه کند، همزمان تحت تأثیر متصوفه متشیع، علایق شیعی از خود نشان می دهد؛ یکباره مورخی واقع گرا می شود و در عین حال به مصلحت

ص: ۱۶

مخدوم خود، سلطان یعقوب آق قویونلو، بر ضد خاندان شیخ صفی که از اعلام متصوفه متشیع ایران اند مطلب می نویسد؛ بعدها بدنبال غلبه صفویان به خدمت سلطان دیگری در می آید و به مذاق او، مبانی فقهی - سیاسی خود را عرضه می کند و مجدداً مجبور می شود تا لاقلاً تا حدودی عقاید شیعی خود را کنار بگذارد و ... اینها همه از او شخصیتی را می سازد که «مصلحت طلبی» او را بر «اعتقاد صمیمی و قلبی اش» غلبه داده و «عطوفت صوفیانه» را در او، به «کینه توزی مذهبی» تبدیل کرده است.

برای منابع شیعی مهمترین ویژگی او گرایش ضد شیعی اوست که در اواخر عمرش از وی هویدا شد .
واله اصفهانی ذیل عنوان خواجه مولانای اصفهانی می نویسد: از مشاهیر متعصبان اهل سنت و جماعت بود .
چون آفتاب دولت مذهب حق جعفری از مطلع سعادت طالع شد و خورشید عالم تاب اوج شهریاری به تیغ جهانگشای، زنگ زدای مذهب باطله گردید، مولانا را در وطن مألوف مجال اقامت نمانده خود را به هرات رسانید و در زمان استیلای شیبک خان بر خراسان ملازمت اختیار نموده پیوسته به مقتضای ویل لمن کفره نمرود بواسطه اظهار عداوت اهل بیت مطعون خان بود تا در بخارا در پنجم جمادی الاولی سنه سبع و عشرين و تسعمائه میل ملاقات پیشوایان طریقه خود نمود . از جمله مؤلفاتش تاریخی است موسوم به عالم آرا.^۸ نظیر همین تحلیل را روملو در باره او آورده است.^۹

مآخذ شرح حال مؤلف

الف - منابع کهن

۱ - آثار مؤلف بهترین و دقیق ترین منبع شرح حال وی می باشد. این آگاهیها در عالم آرای امینی و مهمان نامه بخارا با تفصیل بیشتری آمده است . در سلوک الملوك و ابطال نهج الباطل و وسیله الخادم الی المخدوم او نیز اشارتی در این باب وجود دارد . در شرح حالهایی که در دوره اخیر برای وی نگاشته شده از این اطلاعات بهره گرفته شده، هر چند

۸ . خلد برین، ص ۳۱۷

۹ . احسن التواریخ، ص ۲۲۶

لازم است برای تصویر دقیق تری از زندگی وی، به ویژه اندیشه های او، کار بیشتری بر روی این مصادر صورت گیرد. آنچه از آثار وی تاکنون برای شرح حال تکمیلی وی مورد استفاده قرار نگرفته، همین کتاب حاضر است که ما در ادامه آگاهیهای موجود در آن را در باره مؤلف ارائه خواهیم کرد. در اثر دیگر او هدایة التصدیق الی حکایة الحریق که در «یادنامه ایرانی مینورسکی» به چاپ رسیده، نیز آگاهیهای درباره زندگی او وجود دارد.

۲ - شرح حال منظم وی را استاد او، یعنی شمس الدین سخاوی (از شاگردان برجسته ابن حجر عسقلانی)، مورخ مشهور نگاشته است.^{۱۰}

۳ - آگاهیهای دیگری درباره وی، در ردیه قاضی نورالله شوشتری بر فضیله با نام احقاق الحق آمده است. این کتاب در رد بر ابطال نهج الباطل فضل است که او آن را در رد بر علامه حلی و کتاب نهج الحق او نگاشته است.

۴ - شرح حال کوتاه دیگر از روملو در احسن التواریخ^{۱۱} آمده که روحیه شیعه ستیزی او را تصویر کرده کرده است.

۵ - کشف الظنون، ج ۶، ص ۸۲۰

۶ - حبیب السیر، ج ۴، ص ۸۲۰

۷ - خلد برین، ص ۳۱۷. عبارت این کتاب را پیش از این نقل کردیم.

ب - منابع جدید

۸ - روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات ج ۶، صص ۱۷ - ۱۸.

۹ - تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون ج ۴، صص ۸۷ - ۸۸.

۱۰ - تاریخ ادبیات ایران، سعید نفیسی، سالنامه فارس ۶: ۸ - ۳۷؛ ۸: ۲۱ - ۵۴؛ ۱۳۹ - ۷۲؛

۱۳: ۹ - ۷۳؛ ۱۶: ۴ - ۴۰؛ ۱۷: ۶ - ۱۸؛ ۱۷ - ۵۹.

۱۱ - یادداشت‌های قزوینی، ج ۳، صص ۲۲۷ - ۲۲۹

۱۲ - نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، فاروق سومر، صص ۱۷ - ۱۸

۱۰. الضوء اللامع لاهل القرن التاسع ج ۶، ص ۱۷۱، ش ۵۸۰. ترجمه این شرح حال در مقدمه مهمان نامه بخارا ص ۲۱ آمده است.

۱۱. احسن التواریخ، ص ۲۲۶

۱۳ - تشکیل دولت ملی در ایران ، والتر هیتس، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران ۱۳۶۱) صص ۱۴۷ - ۱۵۱ و نک: صص ۵۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۳۱، ۱۴۰.

۱۴ - الذریعه، ج ۱، صص ۲۹۰ - ۲۹۱؛ ج ۱۵، ص ۲۰۵؛ ج ۲۳، ص ۳۳۰.

۱۵ - فهرست مؤلفین مشار، ج ۴، ص ۸۵۵.

۱۶ - تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۴، صص ۵۳۸ - ۵۴۰؛ ج ۵، صص ۵۱، ۱۴۶، ۱۶۱، ۲۷۲.

۱۴۸۵.

۱۷ - تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۲۷۰.

۱۸ - فهرست نسخ فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱۹ - تاریخ نظم و نثر در ایران، صص ۲۵۱ - ۲۵۲.

۲۰ - فهرست مخطوطات فارسی موزه بریتانیا، ربو، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲۱ - المعروفون من الروزبهانیة فی الکتب التاریخیة، صص ۲۹۵ - ۲۹۷.

ج - مآخذ زندگینامه تفصیلی وی

تاکنون چند تن از نویسندگان معاصر شرح حال وی را نوشته اند:

۲۲ - مینورسکی در مقدمه (ترجمه ملخص) عالم آرای امینی (در سال ۱۹۵۷)؛ از اطلاعات این اثر، آقای منوچهر ستوده در مقدمه مهمان نامه بهره برده است.

۲۳ - محمد امین خنجی در افزوده ای که بر کتاب لارستان کهن آقای احمد اقتداری در شرح حال علمای خنج نوشته، شرح حالی از ابن روزبهان به دست داده است (۱۸۷ - ۱۹۲).

۲۴ - محمد امین خنجی؛ فرهنگ ایران زمین، ج ۴، صص ۱۷۳ - ۱۸۴. گویا این مقاله، اولین مقاله مفصل در زندگی فضل است که در سال ۱۳۳۵ ش به چاپ رسیده است.

۲۵ - منوچهر ستوده؛ وی براساس تحقیقات گسترده تر و با استفاده از منابع متعدد و نیز مهمان نامه بخارا، شرحی مفصل از زندگی فضل بدست داده است. این نگاشته، در مقدمه مهمان نامه بخارا (تهران ۱۳۴۱) صص ۱۸ - ۳۴ به چاپ رسیده است.

ص: ۱۹

۲۶ - حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)؛ مقدمه احقاق الحق، ج ۱، صص ۷۴ - ۸۲.

۲۷ - محمد علی موحد؛ مقدمه سلوک الملوك. وی در این مقدمه (تأصفحه ۱۵) براساس نگاشته های پیشین، به اختصار شرحی از زندگی وی آورده که البته شامل یکی دو نکته تازه در نقد برخی از استنباطهای پیشین است.

د - مآخذ افکار ابن روزبهان

درباره افکار ابن روزبهان تاکنون بررسی جامع و بی طرفانه ای صورت نگرفته است؛ ما چند اثر را در این باره می شناسیم:

۲۸ - میشل. م. مزاوی، وی در کتاب پیدایش دولت صفوی^{۱۲}، بخشی را به تشیع در دوره مغول اختصاص داده و در ادامه سخن در باره کتاب علامه حلی یعنی نهج الحق از فضل الله بن روزبهان و ردیه او بر علامه به تفصیل سخن گفته است (صص ۸۳ - ۸۵ و ص ۱۰۳ - ۱۰۵ ش ۳۶ - ۴۱). در پانوشتها، به برخی از منابع شرح حال وی اشاره شده است.

۲۹ - محمد علی موحد؛ مقدمه سلوک الملوك، وی در این مقدمه (از ص ۱۵ تا ۴۵) بر اساس موادّی که در سلوک الملوك و مهمان نامه آمده مروری بر دیدگاههای سیاسی وی کرده و خلاصه نقطه نظرات او را در زمینه های مختلف بدست داده است.

۳۰ - جواد طباطبایی؛ وی فصلی را در کتاب خود با عنوان در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران صص ۱۸۳ - ۲۰۱ به بحث از «فضل الله بن روزبهان خنجی و تجدید ایدئولوژی خلافت»^{۱۳} اختصاص است.

۱۲. پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳

۱۳. در اینجا باید از توهین های بی دلیلی که در این کتاب، نسبت به اندیشمندان و سیاستمداران چند سده اخیر مطرح شده اظهار تأسف کنم؛ اظهار تأسف از این که کسانی بی جهت و شاید به دلیل گرایشات خاص خود - که نباید چندان جنبه فکری داشته باشد - این چنین به همه کس و همه چیز بدبین و نه تنها بدبین که توهین نیز می کنند. بنده تنها عبارات همین فصل مربوط به فضل الله را که ارزیابی مؤلف از اندیشمندان، سیاستمداران و برخی از سلسله هاست عرضه می کنم؛ خوانندگان خود قضاوت کنند:

جلال الدین دوانی را می توان از آخرین نمایندگان تحشیه و تعلیق در سنت ایران دانست که پیش از تأسیس حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی اندیشه فلسفی ایران در چاه آن هبوط کرده بود (ص ۱۸۳).

واکنش جلال الدین دوانی... جز تغافل نمی توانست باشد (ص ۱۸۴).

او (دوانی)... یکسره نسبت به دوران جدید و سرشت آن در جهل مرکب باقی ماند (ص ۱۸۳).

جلال الدین دوانی ساده لوحانه سنتی را دنبال کرد که با خواجه نصیر آغاز شده بود (ص ۱۸۳).

... از این رو فضل الله را می توان اوج زوال و انحطاط اندیشه سیاسی در ایران دانست (ص ۱۸۴).

آنچه از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی درباره فرمانروایی سپید - گوسفنداران (آق قویونلو) ترک تبار می توان گفت این است که آنان به هیچ وجه آمادگی درگیری با دنیا و دوران جدید را نداشتند (ص ۱۸۴). (آنها) (آق قویونلوها) عاری از فرهنگ و تمدن بودند (ص ۱۸۴).

(با) بر آمدن دولت صفویان... شیرازه وحدت ایران زمین که با یورش مغولان از هم گسیخته بود بار دیگر نو شد اما چرخ نوانمند انحطاط ایران زمین که بعد از «عصر زرین فرهنگ ایران» در سراسیمگی سقوط افتاده بود متوقف نشد (ص ۱۸۵).

کوشش نوادگان شیخ صفی ... از پیش محکوم به شکست بود (ص ۱۸۵). در شرایطی که در سده پانزده و آغاز سده بعد نظریه پردازان بزرگی مانند اراسموس و... جریان تاریخ مغرب زمین را در بستری نو هدایت کردند... دنیای اسلام که بیش از پیش در گرداب تشّت و پراکندگی فرو می رفت در خیال خام تجدید خلافت بود (ص ۱۸۵).

- ۳۱ - آن. اس. کی. لمبتون، وی در کتاب دولت و حکومت در اسلام (صص ۲۹۹ - ۳۲۵) شرحی کوتاه از زندگی فضل الله و تحلیلی از اندیشه سیاسی وی به دست داده است.
- ۳۲ - حسین ایزدی؛ اندیشه سیاسی فضل بن روزبهان خنجی؛ این مطلب عنوان مقاله ای است که بر پایه برخی تقلبات از کتاب عالم آرای امینی نگاشته شده و در کیهان اندیشه ش ۲۹ صص ۱۲۸ - ۱۴۵ منتشر شده است.

نخستین رویارویی ایران زمین با مغرب ... یا ملغمه ای از تصوف و تشیع ... (در) مواجهه با این نخستین موج تجدد « غیر ممکن و محکوم به شکست بود (ص ۱۸۶).

نیازی به گفتن نیست که صفویان را نه در عالم سیاست توان چنین واکنشی بود و نه ... (ص ۱۸۷). از بنیادگذار سلسله صفوی شاه اسماعیل و شاه عباس کبیر که بگذریم، دیگر شاهان صفوی نمونه‌های بارز زوال و انحطاط ایران هستند (ص ۱۸۷).

... اما اشتباهات سیاسی و ناگاهی آنان از الزامات زمانه همچون تیشه ای بود که بر ریشه تدبیرهای آنان فرود می آمد (ص ۱۸۷).

راه برون رفت از این بن بست ... از پادشاهان در مجموع بی فرهنگ و سست عنصر صفوی نمی توان چشم داشت (ص ۱۸۷). دوره صفویان نه فقط از نظر سیاسی بلکه حتی در قلمرو فرهنگ و تمدن ایرانی دوران اسلامی، دوره ای است که زوال و انحطاط آغاز شده با یورش مغولان ... تثبیت شد (ص ۱۸۸).

چنین وضعیت زوال و انحطاط به صرف حکومت ایران زمین محدود نمی شود (ص ۱۸۸). بازنویسی وی (دوانی) از اخلاق ناصری به انتحال بیشتری شباهت دارد تا به تحریری که به اقتضای خواجه نصیر طوسی صورت گرفته باشد (ص ۱۹۲). او (دوانی) نسبت به مبادی حکمت اشراقی و مبانی حکمت عملی یونانی به یکسان جاهل بوده است (ص ۱۹۲).

از این نظر فضل الله بن روزبهان خنجی نه تنها نماینده اوج زوال و انحطاط تمدن کشورهای اسلامی بلکه او نشانه واپسین مرحله اندیشه سیاسی در دوران اسلامی (است) (ص ۲۰۰).

اینها گزیده ای از قضاوتهای بدبینانه مؤلف است که پیشرفت تفکر سیاسی را تنها در غرب دانسته و هر آنچه در این سوی صورت گرفته به ویژه اگر مربوط به احیای فقه سیاسی و شریعت نامه نویسی بوده نشانه انحطاط و زوال آن هم نه ایران که همه کشورهای اسلامی بلکه همه تمدن اسلامی دانسته است. تأسف از برخی از نهادهای علمی - سیاسی است که به نشر این اثر پرداخته اند و این همه توهین که در این کتاب صورت گرفته، علاوه بر اصرار بر غیر دینی و غیر شرعی کردن حکومت را نادیده گرفته اند.

مؤلف در همین فصل، ابن روزبهان را خلف ابن تیمیه می داند در حالی که تصویر اصلی ابن روزبهان چنین نیست. او نه تنها در کتاب حاضر که در آثار دیگر نیز پیوند عمیق خود را با برخی از مفاهیم شیعی نشان داده، او مرحله ای از رشد تفکر شیعی در ایران است و از این زاویه باید بدو توجه داشت. اما متأسفانه مؤلف که برای سرتاسر تاریخ ایران بلکه تاریخ اسلام تعیین تکلیف می کند، هیچ نیازی نمی بیند تا ریز تحولات و حوادث و منابع فکری هر دوره را بشناسد

سالشمار زندگی ابن روزبهان

بر اساس آنچه تاکنون در باره وی نوشته شده سالشمار زیر را می توان در باره او به دست داد.

* ۸۵۲؛ سال احتمالی تولد ابن روزبهان (آقای محمد امین خنجی این سال را پذیرفته؛ فرهنگ ایران زمین ج ۴، ص ۱۷۴ و نک: مقدمه مهمان نامه ص ۲۰ پاورقی ۵).

* ۸۶۲ یا ۸۶۰؛ سال احتمالی تولد او که آقای ستوده آن را درست می داند (مقدمه مهمان نامه ص ۲۲).

* ۸۵۰ - ۸۶۰؛ سخاوی تولد ابن روزبهان را به نقل از خود وی در فاصله این سالها می داند (الضوء اللامع ج ۶، ص ۱۷۱).

* در سن هفده سالگی برای نخستین بار به سفر حج رفته است.

* در سال ۸۷۷ در بغداد بوده است (مقدمه مهمان نامه ص ۲۰ پاورقی ۵).

* در سن بیست و پنج سالگی بار دوم به سفر حج رفته و مدت هشت ماه در مدینه نزد عالمان آن دیار تحصیل کرده است. (این در سال ۸۸۷ بوده که سخاوی آن را ذکر کرده است. او یادآور می شود که پیش از آن چندی در اورشلیم بوده و زمانی که استادش جمال اردستانی در آنجا درگذشت در تشییع جنازه او شرکت کرد و سپس به مدینه آمد.

ص: ۲۲

اشکالی که وجود دارد آنکه منابع دیگر تاریخ در گذشت جمال اردستانی را ۸۷۹ دانسته اند نه ۸۸۷ یا ۸۸۶. (نک: مقدمه مهمان نامه ص ۲۲). از آنجا فضل گفته است که سال بعد از آتش سوزی مسجد النبی به مدینه رفته، باید او در سال ۸۸۷ در مدینه باشد. پیش از آن در مصر بوده و از آنجا به سوی مدینه حرکت کرده است.

* ۸۹۲؛ در شعبان این سال در اردوی تابستانی سلطان یعقوب بدو پیوست و کتاب بدیع الزمان خود را بدو تقدیم کرد.

* ۸۹۶؛ در صفر این سال او جلد نخست کتاب عالم آرای امینی را تمام کرد.

* ۸۹۷؛ سخاوی می گوید در این سال به من خبر دادند که او در دیوان سلطان یعقوب مشغول شده است.

* ۸۹۸؛ احتمالاً در این سال به دلیل آشفته شدن وضع سلطنت فرزند سلطان یعقوب به اصفهان آمده است.

* ۹۰۶؛ از زمان آمدن به اصفهان تا این تاریخ، او در محله شهرستان جی در شهر اصفهان ساکن بوده است.

* ۹۰۷؛ وی رساله هدایه التصدیق الی حکایه الحریق را در شوال این سال در محله شهرستان جی اصفهان نگاشته است.

* ۹۰۹؛ در جمادی الثانیه این سال در شهر کاشان کتاب ابطال نهج الباطل را در رد بر کتاب نهج الحق علامه حلی نگاشت.

* ۹۰۹؛ در رجب این سال در شهر کاشان کتاب وسیله الخادم الی المخدم را تألیف کرده است.

* ۹۱۰؛ در این سال او کاشان را به سمت خراسان ترک گفته است.^{۱۴}

ص: ۲۳

* ۹۱۰؛ در ربیع الاول این سال به زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) رفته است.^{۱۵}

* ۹۱۱؛ مؤلف در این سال در شهر هرات بوده و یادداشتی با تاریخ مزبور بر «بیاض تاج الدین احمد وزیر» (۷۸۲م) نوشته که عکس آن در صفحه پایانی مقدمه چاپ بیاض مزبور (اصفهان ۱۳۵۳ ش) به چاپ رسیده است.

* ۹۱۲؛ در این سال او در شهر هرات بوده و یادداشت وقف نامه خود را بر نسخه ای از کتاب وسیله در آن شهر نوشته است.

* ۹۱۴؛ در این سال او به همراه محمدخان شیپانی (۹۱۶م) به جنگ قزاقان رفت؛ او گزارش مفصل این سفر را در مهمان نامه بخارا آورده است.^{۱۶}

* ۹۱۴ - ۹۱۵ او در سال ۹۱۴ تألیف مهمان نامه بخارا را آغاز کرده و در جمادی الاولی سال ۹۱۵ تألیف آن را تمام کرد.

* ۹۱۸؛ در این سال او توسط عبیدالله خان ازبک برادر زاده محمدخان که جانشین او شده بود از سمرقند به بخارا دعوت شد. در همین سال ماده تاریخی از فضل بن روزبهان صفاهانی در باره فتوحات عبیدالله خان در برابر بابرشاه گفته شده که راقم سمرقندی آن را آورده است. بیت آخر آن چنین است:^{۱۷}

اقبال داشت بابر تا بود زاهل سنت***چون یار رافضی شد افتاد در تدابر

* ۹۲۰؛ در شب جمعه روز آخر ماه ربیع الاول این سال تألیف کتاب سلوک الملوک را تمام کرد.^{۱۸}

* ۹۲۱؛ در این سال او شرح قصیده برده را تألیف کرده است.^{۱۹}

۱۴. مهمان نامه ص ۳۵۱

۱۵. مهمان نامه ص ۳۵

۱۶. نک: مقدمه مهمان نامه صص ۲۴ - ۲۷

۱۷. تاریخ راقم سمرقندی، ص ۲۳۹ نسخه عکسی.

۱۸. نک: سلوک الملوک ص ۴۶۱

۱۹. مقدمه مهمان نامه، ص ۳۲

*۹۲۷؛ در گذشت وی براساس نوشته حسن بیک روملو در این سال بوده است.^{۲۰}واله نوشته است که درگذشت او در پنجم جمادی الاولی این سال بوده است.^{۲۱}

ص:۲۴

آثار علمی ابن روزبهان

شرحی از تألیفات وی را محمد امین خنجی در ضمن شرح حال او آورده که شامل هفت اثر می شود؛ از این هفت کتاب یک مورد آن دیار بکریه است که وی به اشتباه از ابن روزبهان تصور کرده است. آقای منوچهر ستوده آثار وی را تا بیست و دو اثر نقل کرده است. علاوه بر آنها، ما اکنون از چند اثر دیگر نیز خبر داریم که مجموعاً تألیفات وی به بیست و هشت کتاب و رساله می رسد. خواهیم دید که برخی یک قصیده یا چیزی شبیه آن است، چنان که برخی کتاب مفصل یا رساله قابل توجه است:

۱ - بديع الزمان فی قصّة حى بن يقطان ؛ از این کتاب تاکنون اثری در دست نبود تا آنکه اخیراً نسخه ناقصی از آن بدست آمد.^{۲۲} بخشی از مقدمه آن در کتاب عالم آرای امینی، صص ۷۴ - ۷۶ آمده است.

۲ - تاریخ عالم آرای امینی؛ نسخه هایی از این کتاب وجود دارد و ملخص آن توسط

ص:۲۵

۲۰. نک: احسن التواریخ ص ۲۲۶

۲۱. خلد برین، ص ۳۱۷

۲۲. نسخه این رساله به شماره ۷۵۷۴ در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود هر چند انتهای نسخه افتادگی دارد. ابن روزبهان در این کتاب، پس از چند ستایش ادیبانه از سلطان یعقوب و اقدامات و اعمال او می نویسد: و چون آثار مآثر این دولت ابد پیوند و اخبار عظیم وقایع و فتوح ارجمند نه از آن قبیل است که بر سبیل اجمال در دیباچه کتابی یا به مناسبت سیاق کلام در فاتحه خطابی گزارش تواند یافت و ذکر شمه ای از محاسن صفات و ثبندی از مکارم اخلاق ذات ملکی ملکات نه از آن جمله که در این تنگ مجال ادراج توان نمود، لسان خامه را با ملال سمع اجلال سرزنش واجب دید و حالیا سودای این مراد او را از سر بیرون کرد؛ شاید اگر توفیق ربانی امداد نماید و حسن التفات خاقانی اسعاد فرماید، تاریخ همایون که روزنامه اقبال و جریده امانی و آمال است و همواره نوازع نهمت و دواعی همت که بحکم «ان الله يحب عوالی الهمم و يبغض سفسافها» اعتلا بر مدارج رفعت و ارتقا بر معارج عزتند این فقیر قليل البضاعة را به ارتکاب ترتیب و تنمیق و التزام ضبط و تنسيق آن می خوانند یکی از هزار قطره از بحار همت تدوین پذیرد و آثار سطوت و یأس و مرحمت و استیناس حضرت سلطانی که بر چهره صدمات صولت چنگیزخانی و حسن عواطف قآنی رقم نسخ و بطلان کشیده از مضامین تاریخ عالم آرای امینی که به مقابله تاریخ جهانگشای جوینی در ذی المعجاز اعجاز ارباب کنایت و معجاز به عرض خرنندگان متاع بلاغتست و ارباب... خواهد رسانید عالمیان را به وضوح پیوندند... و تاریخ جهان گشای کجا همچون تاریخ عالم آرای است (برگ ۱۳- ر، پ).

این توصیفات و ستایشات تا برگ ۱۴ - پ کتاب ادامه می یابد و آنگاه اشاره به ترجمه این رساله که «و ماشطه خیال خواب که عروس داستان حى بن يقطان از ردای تازی از سرکشیده در کسوت عبارت فارسی ب ه معرکه اظهار آورد» (برگ ۱۴- پ) «...و به متابعت الهام منان آن را بديع الزمان فی قصّة حى بن يقطان موسم گردانید» (برگ ۱۵- ر). اصل کتاب از آغاز برگ ۱۵- پ شروع شده تا برگ ۶۱- پ ادامه دارد و البته انجام ندارد و روشن نیست که چه مقدار از آن سقط شده است.

مینورسکی به انگلیسی ترجمه شده . این کتاب در سال ۱۹۹۲ به کوشش جان وودز در لندن انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی به چاپ رسیده است.

۳ - ابطال نهج الباطل و اهمال كشف العاقل؛ این اثر رد نهج الحق علامه حلی است. نسخه هایی از آن در دسترس است. قاضی نورالله شوشتری احقاق الحق را در رد آن نوشت - و به همان دلیل در سال ۱۰۱۹ به شهادت رسید. در سالهای اخیر محمد حسن مظفر اثر پیرارج و به یادماندنی دلایل الصدق را در رد آن نوشته و آن مقدار از متن کتاب ابن روزبهان را که رد کرده، عینا در کتاب خود درج کرده است.

۴ - مهمان نامه بخارا؛ در شرح سلطنت محمدخان شیبانی؛ این اثر را جناب منوچهر ستوده تحقیق و طبع کرده است (تهران ۱۳۴۱)، پیش از این نیز در بمبئی به چاپ رسیده بود.

۵ - سلوک الملوك؛ رساله ای است مبسوط در فقه سیاسی اسلام یا احکام السلطانیه . این اثر را آقای محمدعلی موحد به دقت تحقیق و طبع کرده است (تهران ۱۳۶۰). گفتنی است که نسخه ای از این کتاب به خط خود فضل الله که آن را به سال ۹۲۰ در بخارا نوشته، در کتابخانه انستیتوی ملل آسیایی سن پترزبورگ به شماره ۳۱۶ A موجود است. پیش از این هم چاپی از آن در هند به انجام رسیده بوده است.

۶ - قصیده فارسی در پیروزی سلطان سلیم در چالدران در منشآت فریدون بیگ.^{۲۳}

۷ - قصیده ترکی جغتایی چهل و یک بیتی در همان منشآت.

۸ - غزل در ماده تاریخ به تخت نشستن سلطان سلیمان در همان منشآت.

۹ - نسب نامه محمدخان شیبانی با نام «شجره نسب».

۱۰ - رساله حارثیه.

۱۱ - شرح قصیده برده.

۱۲ - قطعه ای در ماده تاریخ ظفر عبیدالله شیبانی مربوط به حوادث سال ۹۱۸.

۱۳ - حل تجرید.

۱۴ - تعلیقات بر محالات.

ص: ۲۶

۱۵ - حواشی بر حواشی شرح جدید (تجرید)

۱۶ - مقاصد در علم کلام.

۱۷ - تلخیص و تحقیق کتاب كشف الغمة فی معرفة الائمة از علی بن عیسی اربلی؛ او در ابطال نهج الباطل از این اثر با عنوان ترجمه كشف الغمة یاد کرده است . در آنجا با اشاره به حدیث غدیر می نویسد: این حدیث در صحاح آمده و: «قد ذكرنا سره فی ترجمة كتاب كشف الغمة فی معرفة الائمة».^{۲۴}

۲۳ . منشآت السلاطین، ج ۱، ص ۴۱۶ - ۴۱۷، شاه اسماعیل اول، پارسادوست، صص ۸۳۱ - ۸۳۲

۲۴ . الغدیر، ج ۱، ص ۵۵۱ (چاپ جدید، ۱۴۱۶)

- ۱۸ - شرح وصایای خواجه عبدالخالق غجدوانی مشتمل بر احوال شیخ و سلسله مشایخ و خلفای وی.
- ۱۹ - حواشی و تعلیقات بر کتاب شرح مواقف.
- ۲۰ - حواشی و تعلیقات بر کشف؛ این حواشی را در تبریز تألیف کرده است.
- ۲۱ - رساله ای در مناقب پیر جمال اردستانی؛ سخاوی در شرح حال وی به نقل از خود او از این اثر یاد کرده است.
- ۲۲ - شرح صحیح مسلم؛ پس از اتمام عالم آرای امینی، ابن روزبهان قصد تألیف شرح صحیح مسلم را داشته.^{۲۵} شاهدهی که تألیف آن را نشان دهد در دسترس نیست.
- ۲۳ - هداية التصديق الى حكاية الحريق؛ نسخه ای از این رساله به خط ابن روزبهان در کتابخانه ملک بوده که به همت آقایان ایرج افشار و محمدتقی دانش پزوه در «یادنامه ایرانی مینورسکی» (تهران ۱۳۴۸) چاپ شده است. این اثر در باره آتش سوزی در مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله وسلم) در سال ۸۸۶ است. ابن روزبهان در سال ۸۸۷ به مدینه رفت و براساس آنچه شنید گزارش دقیق این واقعه را نگاشت. گزارش فارسی این اثر را ما در مجله میقات به چاپ رسانده ایم.
- ۲۴ - وسیلة الخادم الى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم؛
- ۲۵ - جامع المعجزات؛ وی در کتاب «وسیلة الخادم» از قصد خود دائر بر تألیف کتابی با این عنوان جامع المعجزات یاد کرده است.
- ص: ۲۷
- ۲۶ - فضائل علی (علیه السلام). ایضا وی در وسیلة الخادم وعده تألیف چنین کتابی را داده است، هر چند ممکن است آن را تألیف نکرده باشد.
- ۲۷ - تفسیر سوره حمد؛ نسخه ای از این اثر وی به شماره ۱۲۰۶۸ در کتابخانه مجلس موجود است. این کتاب مشتمل بر مباحث فراوان فلسفی است و آگاهیهای سودمندی نیز در باره وضع فلسفه در عصر وی در آن یافت می شود.
- ۲۸ - شرح قصیده خمریه عبدالقادر گیلانی؛ نسخه ای از آن به شماره ۲۱۴۵ - B (برگ ۳۸ - ۵۶) در کتابخانه بنیاد ملل آسیایی سن پترزبورگ موجود است.

اندیشه مذهبی فضل بن روزبهان

الف: زمینه های بروز تسنن دوازده امامی

از نظر تاریخی باید گفت در کنار شیوع مذهب عثمانیه در قرون نخستین اسلامی، یعنی کسانی که از اساس خلافت امام علی (علیه السلام) را مشروع نمی دانستند، کسانی اصرار داشتند تا احادیث فضائل امام (علیه

السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) را منتشر سازند. چنین کسانی در کتب رجالی متقدم اهل سنت با عبارت فیه تشیع توصیف شده اند و درست به دلیل نقل روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) مورد انکار قرار گرفته اند.

ابن قتیبۀ از عالمان میانه قرن سوم، در کتاب کم حجم خود با عنوان الاختلاف فی اللفظ از کسانی از اهل حدیث (و در واقع گروه عثمانی مذهب آنها) که انکار شدیدی نسبت به فضایل امام علی (علیه السلام) دارند انتقاد می کند. نگاهی به میزان الاعتدال ذهبی نیز می تواند چهره صدها نفر از کسانی را نشان دهد که به دلیل نقل فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، متهم به تشیع شده اند.

در ادامه این اقدام افراطی اهل حدیث، عالم بلند پایه اهل حدیث، احمد بن حنبل، نقطه عطفی از جهت چرخش به سمت پذیرش فضایل امام علی (علیه السلام) و تثبیت موقعیت آن امام همان به عنوان خلیفه رابع در میان اهل سنت (عقده تربیع) به شمار می رود. وی در کتاب «مسند» خود، روایات بی شماری از فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را مندرج ساخت؛ روایاتی که با کمال تأسف بسیاری از آنها در صحیحین و دیگر صحاح و سنن نیامده است!

ص: ۲۸

ابن حنبل افزون بر آنچه در مسند آورده، در کتاب «فضائل الصحابه» نیز شمار زیادی از روایت فضایل، به ویژه حدیث غدیر را از طرق متعدد نقل کرده و بدین ترتیب در تعدیل مذهب عثمانیه کوشش قابل ستایشی از خود نشان داده است.

پس از احمد بن حنبل، حنبله بغداد با پیشرفت روزافزون شیعه در این شهر مواجه شدند. روی کار آمدن دولت بویهی شیعی، این روند را تسریع کرد و به دنبال آن نزاعهای دویست و پنجاه ساله میان معتزله و شیعه از یک سو، و حنبله از سوی دیگر آغاز شد. این مسأله سبب شد تا تعصب اهل حدیث حنبلی مذهب، در برخورد با مخالفان شیعی و معتزلی شدت گیرد و حتی دانشمندی چون محمد بن جریر طبری مورخ شهر عالم اسلام، به دلیل نوشتن کتابی در طرق حدیث غدیر مورد طعنه و بی حرمتی قرار گیرد. این امر به وضوح از شرح حال طبری به ویژه آنچه در معجم الادبای یاقوت حموی آمده به دست می آید.

با فروکش کردن این نزاعها در قرن ششم، نگارش کتابهایی درباره اهل بیت (علیهم السلام) شتاب خاص خود را گرفت و آثار تعدیل در تسنن، در برخورد با ائمه اهل بیت (علیهم السلام)، بیش از پیش آشکار گردید. علاوه بر این، برخی از شیعیان، با شرکت در مجالس حدیث عالمان سنت، مجموعه احادیثی را که از طرق آنها در فضایل اهل بیت رسیده بود یک جا گردآوری کردند. یک نمونه روشن کتاب عمده ابن بطریق و دیگری کتاب الیقین سید بن طاووس (م ۶۶۴) است که تمامی روایات آنها از طریق محدثان اهل سنت روایت شده گرچه مؤلفان آنها شیعی مذهبند.

برآمدن سبط بن جوزی از خاندان ابن جوزی، که خود حنبلی سرسختی بود، مؤید تعدیل در حنابله بغداد است، کسانی که با طبری چنان برخوردی کرده و حتی اجازه سماع حدیث از او را به کسی نمی دادند. کتاب تذکره الخواص سبط بن جوزی یکی از بهترین شواهد برای ایجاد تعادل در تسنن افراطی است. هرچند متعصبان او را شیعه دانسته اند، اما او خود را چنان می نماید که در مرز تشیع و تسنن ایستاده است.

ص: ۲۹

نمونه دیگری که مربوط به قرن ششم است امام ابوالفضل یحیی بن سلامه الحسکفی^{۲۶} (م ۵۵۱ یا ۵۵۳) است. بنا به نقل ابن طولون، او قصیده ای در مدح دوازده امام سروده است. بخشی از سروده او که نام دوازده امام در آن آمده چنین است:

حیدرة و الحسنان بعده *** ثم علی وابنه محمد
و جعفر الصادق و ابن جعفر *** موسی، و یتلوه علی السید
أعنی الرضا، ثم ابنه محمد *** ثم علی وابنه المصدد
الحسن التالی و یتلوه *** محمد بن الحسن المعتقد^{۲۷}

مناسب می نماید عبارتی نیز از رشیدالدین ابوالفضل میبیدی (زنده در ۵۲۰ ق) از عالمان اهل سنت و صاحب تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل کنیم. این عبارت که در اوج زیبایی ادبی است، نشانی از ادب پارسی شیعی می باشد. او در کتاب الفصول در ترجمه روایتی می نویسد: در اخلاص معروف است که فاطمه زهرا، آن سلاله مصطفی، آن گوهر دریای نبوت، آن ثمره اصل رسالت، آن نسیم میوه جنت، آن آشیانه مکان، آن مایه حسنات، آن خیر خیرات، آن سیده سادات، آن حره ای بزمین محتشمی، از رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) سؤال کرد که، در آن شب قدر و منزلت و قرب و کرامت، درین آسمان بلند، و درین ولایت عالم فوقی، از شرف و قدر این جگرگوشگان من حسن و حسین هیچ اثر و نشانی دیدی، و از منقبت و جلالت ایشان شمتی و طرفی شنیدی؟

رسول گفت: بلی یا قره عین من؛ ندا شنیدم که گفتند: یا رسول الله برگزیده! البشارة که ملک تعالی ترا دو قوت عین داده است که بقای عرش و کرسی از برکت ایشانست، و نور زمین و آسمان از حشمت ایشان است، و قوت حمله عرش و خزنه کرسی از فضلات قوت ایشانست، و فخر امت تو به قیامت از ولا و محبت ایشانست، و در بهشت نام سیادت و مهتری، نام و کنیت ایشانست، صفت شهادت و سعادت صفت و حلیت ایشان است؛ نام حسن و حسین در افواه ملانکه ملکوت و محاضر مقربین و صفوف صافات و جمله فرشتگان

۲۶. در باره او نک: معجم الادباء ج ۲۰، ص ۱۸.

۲۷. الشذرات الذهبيه فی تراجم الائمة الاثني عشریه عند الامامیه (این اثر با عنوان الائمة الاثني عشر با تحقیق صلاح الدین منجد چاپ شده) ص ۴۱ (بیروت دارصادر).

چنان ظاهر است و پیدا که در شب یلدا ماه در گنبد سما . هرکه ایشان را دوست دارد طرار سعادت بر آستین
قبا دارد، و در دار بقا تحیت و لقا دارد، و هر

ص: ۳۰

که العیاذ بالله، از ایشان ذره ای غلّ و غایله دارد، و به مثقال ذره ای حقد و مخالفت دارد، اگر عبادت
جرجیس و خدمت ادريس دارد، بلعام و برصیصا جلیس دارد، و گر همه خیرات و حسنات انیس دارد، حقاً که
در جریده اشقیا نام رئیس دارد، و در دوزخ همنشین زویع و ابلیس دارد.^{۲۸}
این تعادل و قرابت با شیعیان، منحصر به دسته خاصی از سنیان نیست . از میان شافعیان محمد بن طلحه
شافعی (م ۶۵۲) کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول را نوشت که با اندک تفاوتی گویی یک شیعه
دوازده امامی آن را تألیف کرده است . همچنانکه محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی (م ۶۵۸) کفایة الطالب
در فضایل امیر مؤمنان و اهل بیت (علیهم السلام) نگاشت.

در میان حنابله، ابومحمد عبدالرزاق بن عبدالله بن ابی بکر عزالدین اربلی (م ۶۶۰) به درخواست
بدرالدین لؤلؤ حاکم امامی مذهب موصل، مجموعه ای در فضایل امیر مؤمنان (علیه السلام) فراهم می آورد.
صاحب کشف الغمه از این اثر بهره وافر برده است .^{۲۹} ابومحمد عبدالعزیز بن محمد بن مبارک حنبلی جُنابذی (م
۶۱۱) نیز کتاب معالم العترة النبویه و معارف اهل البيت الفاطمية العلوية را در شرح حال امامان (تا امام
یازدهم (علیه السلام)) نوشته است.^{۳۰} از مولوی رومی نیز قصیده ای در ستایش دوازده امام نقل شده است.^{۳۱}
ابن خلکان شافعی نیز در وفیات الاعیان زندگی ائمه اهل بیت (علیهم السلام) را آورده است . او البته
شبیه دیگران نیست، اما نفس توجه به ائمه شیعه نشانگر حضور امامان در ذهنیت قرن اوست.

در قرن هشتم حمدالله مستوفی (م بعد از ۷۵۰ هـ) را داریم که در تاریخ گزیده، پس از یاد از خلفای
نخست با عناوین معمول و محترمانه، به یاد از امام علی (علیه السلام) پرداخته آنگاه از امام مجتبی به عنوان
امیرالمؤمنین، حافد رسول رب العالمین امام المجتبی حسن بن علی المرتضی یاد می کند. سپس فصلی
می گشاید تحت عنوان: «در ذکر تمامی ائمه

ص: ۳۱

معصومین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که حجة الحق علی الخلق بودند» و «مدت امامتشان از رابع
صفر سنه تسع و اربعین تا رمضان اربع و ستین و مأتین، دویست و پانزده سال و هفت ماه می شود». او

۲۸ . فرهنگ ایران زمین، ج ۱۶ صص ۴۴-۷۵؛ و نیز بنگرید به مقاله استاد رکنی در یادنامه علامه امینی

۲۹ . نک: کشف الغمه، ج ۱، صص ۷۷، ۹۴، ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۶۱، ۳۱، ۳۱۴، ۳۲۵-۳۲۶.

۳۰ . نک: علی بن عیسی اربلی و کشف الغمه ص ۷۴ (قم ۱۳۷۲ کنگره شیخ مفید).

۳۱ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۲۲، ص ۶۲

می افزاید: ائمه معصوم اگرچه خلافت نکردند اما چون مستحق، ایشان بودند، تبرک را از احوال ایشان، شمه ای بر سبیل ایجاز می رود.^{۳۲}

در قرن نهم ابن صباغ مالکی (۷۸۴ - ۸۵۵) کتاب الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة را نگاشته است.

در قرن دهم شمس الدین محمد بن طولون (م ۹۵۳) کتاب الشذرات الذهبیة فی تراجم الأئمة الاثنی عشریة عند الامامیه را نگاشته است. او از عالمان علاقمند به تصوف و عرفان است. وی پس از بیان احوالات امامان از مصادر معتبر، شعری را که خود در وصف ائمه اثناعشر سروده آورده است:

علیک بالائمة الاثنی عشر***من ال بیت المصطفی خیر البشر

ابو تراب حسن حنین***و بعض زین العابدین شین

محمد الباقر کم علم دری***والصادق ادع جعفرأ بین الوری

موسی هو الکاظم وابنه علی***لقبه بالرضا و قدره علی

محمد التقی قلبه معمور***علی التقی دره منشور

والعسکری الحسن المطهر***محمد والمهدی سوف ینظر^{۳۳} او در همین کتاب اظهار می کند که کتاب با عنوان المهدی الی ماورد فی المهدی تألیف کرده است.^{۳۴}

اوج حضور عقاید شیعی در عقاید عرفا و صوفیان، در محیی الدین بن عربی است؛ بی شبهه او نیز متأثر از جریانات دیگری بوده اما مهمترین امری که او را جذب کرده اندیشه ولایت در میان شیعه بوده است. کتابی با عنوان المناقب از او دانسته شده که برای هر امامی، وصفی شیرین آورده است.^{۳۵}

ص: ۳۲

صوفیان قرن هشتم و نهم نوعاً به ائمه اثناعشر اظهار علاقه می کردند هر چند گروهی از آنان نسبت به شیعه امامیه که آنان را رافضه می خواندند، خوشبین نبودند. به عنوان نمونه از «جامی» می توان یاد کرد که به نوشته آقای مایل هروی: نسبت به نفس تشیع هیچ تعصبی ندارد زیرا پیوسته راه و روش خاندان رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) را تأیید می کند و به عظمت آنان توجه می دهد ولیکن در برخورد با شیعیان، خامی می نماید و این خامی جامی را باید ناشی از تبراّی شیعیان دانست و نه از تولای بحث جامی.^{۳۶}

۳۲. تاریخ گزین، صص ۱۹۸، ۲۰۱ (تحقیق: عبدالحسین نوایی).

۳۳. الائمة الاثنی عشر، ص ۱۱۸.

۳۴. همان.

۳۵. «شرح مناقب محیی الدین عربی» از سید محمد صالح بن محمد موسوی خلخالی تهرانی (م ۱۳۰۶) به اهتمام سید جمال الدین در سال ۱۳۶۳ ش چاپ شده است.

۳۶. مقدمه مقامات جامی، ص ۱۳ و نک: صص ۲۰-۲۱ (تهران ۱۳۷۱)

عبدالواسع نظامی باخزری مؤلف مقامات جامی که با شیعیان سرستیز دارد می کوشد علاقه خود را به ائمه اثنا عشر جدای از برخوردش با شیعیان عنوان کند. او از ابوالحسن کربلایی یاد می کند که بر سر منبر، نام خلفای راشدین را حذف و به جای آن خطبه را «به نام شریف ائمه اثنا عشر موشح» گرداند. او از برخوردی که عالمان با این امر کرده و سلطان را به مخالفت آن واداشته اند یاد کرده و البته برای دفع اتهام می گوید که البته «ائمه اثنا عشر در خطبه معهود بر سبیل استمرار ضمن اجمال و علی آله الأَطهار مندرج اند».^{۳۷} وی در جای دیگر در برخورد با تبرّای شیعیان می گوید: و ما به یقین می دانیم که هرگز اهل بیت رسول که عبارت از ائمه اثنا عشرند - علیه و علیهم الصلوات و السلام - بر این اعتقاد ناپاک نبوده اند» و برای نشان دادن اعتقادش به اهل بیت می افزاید که «بالله العلی العظیم که اگر به تحقیق دانم که عترت طاهره نبوی بر این عقیده و اعتقاد بوده اند اول کسی که بدان طرف میل و رغبت کند منم».^{۳۸}

دسته ای از صوفیان این قرن نیز به تدریج سر از تشیع امامی در آوردند که باید یکی از مهمترین آنها را خاندان شیخ صفی و تابعان آنها دانست.

باید به جمع آثاری که گذشت کتاب الاتحاف بحب الاشراف از شبرای (م ۱۱۷۲)، نورالابصار از شبلنجی و ینابیع الموده از قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴) را افزود.

تشکیل دولت صفوی در آغاز قرن دهم هجری روند حرکت مزبور را سست کرد

ص: ۳۳

اما از میان نبرد . در این قرن حتی آنان که رد شیعه می نوشتند، هیچگاه ارادت نسبت به ائمه اثنا عشر (علیهم السلام) را فراموش نمی کردند. این امر حتی برای صاحب الصواعق المحرقة که کتابش را در رد بر شیعه نوشته بود نیز امری عادی تلقی می شده است. حتی برای دولت عثمانی نیز این امر قابل قبول بود آن گونه که معمارانش نام مبارک دوازده امام را در کنار نام تعدادی از صحابه و ائمه مذاهب اربعه در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) دومین حرم اسلام بر دیوارهای مسجد ثبت کردند.^{۳۹}

یک نمونه دیگر محیی الدین لاری است که در اثر منظوم خود فتوح الحرمین اشعاری در ستایش امامان اثنا عشر (علیهم السلام) و همچنین اشعاری در ستایش از خلفای اربعه آورده است.^{۴۰} چندی از اشعار وی در ستایش امامان از این قرار است:

چونکه علی داشت به خاک انتساب***کرد نبی کنیت او بو تراب
سنبل و گل را به چمن زیب وزین***موی حسن آمد و روی حسین

۳۷. مقامات جامی، ص ۱۴۸.

۳۸. همان، ص ۱۵۷.

۳۹. نک: مجله میقات حج، ش ۳، ص ۱۳۵.

۴۰. این اثر به کوشش ما و توسط انتشارات انصاریان در قم چاپ و منتشر شده است

گلشن دین یافته زین، زیب و زین***گلبن توحید علی حُسین
 علم که در روی زمین و افرست***از دم عیسی نفس باقر است
 صادق صدیق به صدق و صفا***ناظر و منظور به صدق و صفا
 کام ولایت شده شیرین ازو***یافته تمکین عجباً دئی ازو
 آنکه برد از دل اغیار بیم***کاظم غیظ است به خلق کریم
 خلق محمد کرم مرتضی***هر دو عیان ساخت علی الرضا
 برد به تقوی گرو از مابقی***شهرت از آن یافت به عالم تقی
 زنگ زُدای دل هر متقی***کنیت او گشت از آن رو نقی
 زاده از آن زبده پیغمبری***محسن احسن، حسن عسکری
 باز چه گویم چو گلی زو دمید***آه چه گل، گلشنی آمد پدید
 نکهت او برده زدله‌ها گمان***پر شد ازو دامن آخر زمان
 رشته که از حق به نبی بسته شد***باز به آن سلسله پیوسته شد

ص: ۳۴

نقطه اول چو به آخر رسید***کار بدایت به نهایت کشید
 هادی دین مهدی آخر زمان***خلق جهان یافته از وی امان
 گفت نبی کز پی ظلم و فساد***روی زمین پر کند از عدل و داد
 قاتل دجال به شمشیر کین***با دم عیسی، نفس او قرین
 هر یک از آن گوهر گیتی فروز***داده به شب روشنی دهم روز
 هر یک از ایشان عجب و من عجب***سلسله شان سلسله من ذَهَب
 هر که به آن سلسله پیوسته شد***از ستم حادثه وارسته شد^{۴۱}
 همین شاعر در این اثر منظومش در باره چهار خلیفه چنین می سراید:
 مخترع عالم کون و فساد***چار گهر در کف گیتی نهاد
 خاک نشینان که شدند استوار***داد قوام همه شان زین چهار
 عنصر دین آمد از این چار یار***عنصر هر چیز چو باشد چهار
 رشته جان را شده هر یک دری***هر یک از ایشان به مثل عنصری^{۴۲}
 جهان‌شاه قراقیونلو در سکه هایی که ضرب کرده، بر یک روی سکه علی ولی الله و بر روی دیگر آنها،
 نام خلفای چهارگانه را آورده است.^{۴۳} این نیز شاهی است بر حضور این اندیشه در قرن نهم هجری.

۴۱. فتوح الحرمین، ص ۲۱ - ۲۳

۴۲. همان، ص ۲۰

اثری دیگر با نام کنه الاخبار از قرن دهم برجای مانده که در آن نیز همانند برخی از آثار پیشگفته، شرح حالی از خلفا و دوازده امام آورده است.^{۴۴}

عنوان دیگری که در این زمینه قابل استناد است، کتاب المقصد الاقصى فی ترجمه المتسقى است. اصل کتاب به زبان عربی بوده و کمال الدین حسین خوارزمی آن را با عنوان فوق به فارسی درآورده است. این کتاب در شرح زندگی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و خلفا بوده، اما وی با وجود اعتقادش به مرام اهل سنت، زندگی دوازده امام و نیز فاطمه زهرا (علیها السلام)

ص: ۳۵

را بر آن افزوده است.^{۴۵}

نمونه دیگر کتاب روضات الجنان و جنات الجنان درویش محمد کربلایی است که با وجود داشتن اعتقادات سنی، شرح حال مفصل امامان شیعه را در مجلد دوم کتاب خویش آورده که بخش اعظم آن از کتاب فصل الخطاب خواجه محمد پارساست. این خواجه محمد هم، علی رغم اصرارش در تسنن، خود در این کتابش به تفصیل شرح حال ام امان را آورده است.^{۴۶} کتاب غایه الهمه فی ذکر الصحابه و الائمة یا رساله محمدیه از محمدعلیم بن محمد موسی اله آبادی نیز در شرح حال رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) خلفای نخست و امامان شیعه (علیهم السلام) است.^{۴۷}

ب : ابن روزبهان سنی دوازده امامی

کتاب وسیله الخادم الی المخدم تصویری تازه ابن روزبهان به دست می دهد که در آثار دیگر وی نیز از آن می توان سراغ گرفت جز آنکه در این کتاب، به صورتی روشن تر این گرایش مجال بروز یافته است. وی در این کتاب، در ردیف سنیانی قرار می گیرد که با گرایشات قوی شیعی تا مرز تشیع رسیده اند. البته این به معنای آن نیست که او قصد شیعه شدن داشته اما حوادث مربوط به روی کار آمدن صفویان، به علاوه سوابق ابن روزبهان در تندی نسبت به اجداد آنها در عالم آرای امینی^{۴۸} او را به سمت تعصب سوق داده و از موضعی که در این کتاب اتخاذ کرده بود، یعنی تسنن دوازده امامی، دور ساخته است. وقتی از موضع او در این کتاب سخن می گوئیم، مقصودمان مطالبی است که او در سراسر کتاب در شرح فضایل و زندگی امامان شیعه آورده و در اینجا نمی توان همه را بازگو کرد؛ تنها می کوشیم تا آنچه از اطلاعات جدید مربوط به ابن روزبهان از

۴۳. نک: پیدایش دولت صفوی، مزاولی، ص ۱۴۴ از: تاریخ النقود العراقیه، ص ۸۰ به بعد و مآخذ دیگر.

۴۴. در باره آن نک: نشر دانش، سال چهاردهم، شماره اسفند، ص ۵۸

۴۵. ادبیات فارسی استوری، ص ۷۷۵

۴۶. این بخش از کتاب وی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم منتشر شده است

۴۷. ادبیات فارسی استوری، ص ۹۴۹

۴۸. عالم آرای امینی، صص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۶۵

لحاظ تاریخی وادیشه ای در این کتاب آمده، تدوین و عرضه کنیم . اما پیش از آنکه به کتاب حاضر بپردازیم، مروری بر دیدگاههای شیعی وی در دیگر آثارش داریم . این مرور هماهنگی را آنچه را در اینجا به تفصیل گفته، با آنچه در جاهای دیگر به اختصار آورده نشان می دهد.

ص:۳۶

در آثار ابن روزبهان از کتابی با عنوان تلخیص و تحقیق کتاب کشف الغمه فی معرفة الاثمه تألیف علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۲) یاد شده است.^{۴۹} می دانیم که این اثر شرح حال چهارده معصوم بر پایه منابع سنی و شیعی و مأخذ مهم آثار سنیان دوازده امامی بعدی از جمله ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵) و نیز خود ابن روزبهان در اثر حاضر بوده است . ابن روزبهان در کتابی که در ردّ نهج الحق علامه حلی نگاشته از ترجمه خود از کشف الغمه اربلی یاد کرده است.^{۵۰}

علاقه ابن روزبهان به کتاب کشف الغمه، از اثر حاضر نیز بدست می آید. او در موارد متعددی بدان ارجاع داده و از آن نقل کرده است. به علاوه از جای جای کتاب ابطال نهج الباطل او بر می آید که به فضایل اهل بیت کمال اعتراف را دارد؛ گرچه باید توجه داشت که تألیف این اثر در سال ۹۰۹، درست در دوره ای که او در حال گریز از عراق عجم به سوی ماوراءالنهر است، زمینه بروز تعصّب سنی گری اوست. روش او در این کتاب، به هیچ روی انکار فضایل اهل بیت نیست بلکه انکار آن است که این نصوص، دلالت بر خلافت داشته باشد. او درباره حدیث لایزال امر الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه کلهم من قریش ضمن تأیید اصل حدیث می گوید: «فان ارید بالخلافة، وراثته العلم و المعرفة و ایضاح الحجة و القيام باتمام منصب النبوة فلامانع من الصّحة» اگر مقصود از خلافت، وراثت علم و معرفت و روشن کردن حجت و قیام به تکمیل منصب نبوت است، حدیث می تواند درست باشد؛ اما دلالتی بر خلافت دنیوی ندارد.^{۵۱}

او در مورد دیگری با اظهار مخالفت روافض با ائمه اثنا عشر، در مورد امامان می نویسد: و هم صدور ایوان الاضطفاء و بدور سماء الا جتباء و مفاتیح أبواب الکرم و مجادیح هواطل النعم و یئو ث غیاض اُبسالة و غیو ث ریاض الایالة و سیاق مظاهر السماحة و خزّان نقود الرجالة و الاعلام السوامخ فی الارشاد و الهدای ة و الجبال الرواسخ

ص:۳۷

فی الفهم والدراية؛ پس از آن شعری نیز از سروده های خود در وصف آنان آورده که یکی بیت آن چنین است.^{۵۲}

۴۹. نک: فرهنگ ایران زمین، ج ۴، ص ۱۸۳، مقدمه مهمان نامه بخارا، ص ۳۲.

۵۰. نک: دلائل الصدق ج ۲، ص ۵۰؛ این کتاب رد کتاب ابن روزبهان است که وی آن را در رد بر علامه حلی نگاشته بود

۵۱. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۱۵.

۵۲. دلائل الصدق، ج ۱، ص ۷۵.

بنو علی وصی المصطفی حقا***احلاف صدق نموا من أشرف السلف

او دوازده امام را همانند بسیاری از سنیان صوفی دیگر به عنوان عالم و وارث علم و مکمل نبوت می پذیرد، اما خلافت را نمی پذیرد. از نظر او که گرایشات صوفیانه داشته، اساساً طلب ریاست و حکومت در شأن ائمه نیست؛ و این مطلب را در شرح حال چندتن از امامان در همین کتاب ابراز می کند. توجه داشته باشیم که علاءالدوله سمنانی نیز از شدت علاقه عارفانه ای که به امام علی (علیه السلام) داشت می گفت آن حضرت خلافت را برای خود نمی خواست بلکه برای فرزندش حسنین (علیهما السلام) می خواست.^{۵۳}

ابن روزبهان در همین کتاب ابطال نهج الباطل، ستایشی از دوازده امام در قالب شعر دارد که به خوبی عقیده او را به عنوان یک سنی دوازده امامی نشان می دهد. او این شعر را در ادامه بحثی درباره فضائل حضرت فاطمه (علیها السلام) در ابطال نهج الباطل آورده است:

سلام علی المصطفی المجتبی***سلام علی السید المرتضی

سلام علی ستنا فاطمة***من اختارها الله خير النساء

سلام من المسک أنفاسه***علی الحسن الألعی الرضا

سلام علی الأوزعی الحسین***شهید ثوی^{۵۴} جسمه کربلا

سلام علی سید العابدین***علی بن الحسین الزکی المجتبی

سلام علی الباقر المهدی***سلام علی الصادق المقتدی

سلام علی کاظم الممتحن***رضی السجایا امام التقی

سلام علی الثامن المؤمن***علی الرضا سید الأصفياء

سلام علی المتقی التقی***محمد الطیب المرتجی

سلام علی الاریحی النفی***علی المکرم هادی الوری

سلام علی سید العسکری***امام یجهز جيش الصفا

ص: ۳۸

سلام علی القائم المنتظر***ابی القاسم العزم نور المهدی

سیطلع كالشمس فی غاسق***ینحیه^{۵۵} من سیفه المرتضی

تری یملاء الارض من عدله***کما ملئت جور اهل الهدی

سلام علیه و آباءه***و انصاره ما تدوی^{۵۶} السماء^{۵۷}

۵۳. نک: اندیشه تفاهم مذهبی، فصل «علاءالدوله سمنانی، راهی نو برای تفاهم مذهبی» صص ۹۰-۹۱.

۵۴. ن.خ: رمی.

۵۵. ن.خ: ینحیه.

۵۶. ن.خ: تدور.

ابن روزبهان در کتاب عالم آرای امینی، علیرغم آنکه کتاب را در دربار سنیان آق قویونلو نگاشته، از امیر مؤمنان ستایش فراوان می‌کند. او پس از یاد از خلفای رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و پس از بیان شرح حال تک تک آنها، وقتی به امام علی (علیه السلام) می‌رسد از حدیث غدیر و برخی فضایل دیگر او یاد کرده است. البته او با نقل فضایل به هیچ روی در صدد اثبات خلافت بلافصل نبوده و هیچ نوع تقیه ای نیز در کار نیست (نه آنکه آنجای جای تقیه نباشد، بلکه بدان دلیل او عمیقاً اعتقادش همین بوده) اما آشکار است که او مقام امام را برتر از دیگران می‌داند. او در این کتاب جانشین شایسته امام علی (علیه السلام) را فرزندش حسن (علیه السلام) و بعد از آن حسین (علیه السلام) می‌داند؛ او به هیچ روی عقیده ای به امویان ندارد و پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) جریان حاکم را مطرود و محکوم می‌داند.^{۵۸}

ابن روزبهان حتی بعد از آنکه به محمدخان شیبانی (مقتول ۹۱۶) می‌پیوندد همین عقیده را اظهار می‌کند. او چنین محبتی را از اهل بیت با تسنن جمع کرده است چیزی که در نسل نخست سنی در قرن دوم و بعد از آن مطرح نبوده است.

وی در القاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به تمامی فضائل آن حضرت اشاره می‌کند: «چهارم خلفای کرام که چون خورشید اوج چهارم نور کمالش آفاق را منور ساخته است و علم علمش در مشارق و مغارب برافراخته امیرالمؤمنین ولی المسلمین سیدالاولیاء سند الاصفیاء جامع المکارم الزاهره و المفاخره الباهره صاحب قربت «انت اخی فی الدنیا و الاخره» ولی مؤمنان و مولی اهل ایمان بی ریب و اشتباه فائز به دعوت «اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه» رضى الله عنه و ارضاه آنکه در گرانمایه ذات او را تقدیم نقبت «انا مدینه العلم و على بابها» بابها ساخته و در مصاف اجتناء فرموده «لا عطين هذه الراية غدا رجلا يفتح الله على يديه يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله» رایت رفعتش افراخته شهد محبت او بحکم «لا يحب عليا منافق» مذاق ارباب نفاق را موافق نیست و حب او را جز مزرع سینه مؤمنان را به حکم «لا يبغيضه مؤمن» لایق نه؛ در غدیر خم جرعه «اللهم من كنت مولاه»

ص: ۳۹

بر او پاشیده و وعای دعای «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» از خمخانه موالاه رحمانی به مذاق آمال و امانی او چشانیده همای سعادت «اللهم ایتنی بأحب خلقک الیک یأکل معی هذا الطیر» بر کنگره شرف و کرامت او نشسته و باب متقبت امر رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) «بسد الابواب الا باب علی» بر روی غیر او بسته؛ جبه پاکش در سجده بت هیچگاه به خاک نرسیده و دامن ادراکش را خار کفر و اشراک هرگز

۵۷. فرهنگ ایران زمین، ج ۴، صص ۱۷۸ - ۱۷۹، مقدمه احقاق الحق، ج ۱، ص ۸۰. حضرت آیه الله مرعشی تعجب از این دارند که چگونه او با «نصب» و «بغضی» که دارد چنین اشعاری گفته است، در حالی که از کتاب حاضر بدست می‌آید که اساساً او سنی دوازده امامی است.

۵۸. نک: گزیده هایی از عالم آرای امینی در: کیهان اندیشه ش ۳۹ ص ۱۳۲.

نکشیده نهال وجود مکرش در جویبار ایمان نشو و نما یافته و به عهد صبی در طرق صفاء و جاده وفاء شتافته است، شب هجرت در جامه خواب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آسوده و بدین افتخار سر بر گرد بالش خورشید سوده است. اجتهادات آن حضرت - خورشید تیغش روز بدر ذرات ارواح اعداء را به ظلمات عدم رسانید و در دامن احد شربت هلاک به کفار ناپاک از دم تیغ زهرناک چشانیده در دعوی کمال شجاعت و فیروز مصافی الحق فرق شکافی عمرو بن عبدود در جنگ خندق گواه حال او بینة «لضربة علی یوم خندق توازی عمل الثقلین» سرمایه اعمال است. روز خیبر بیضه فرق مرحب یهود را به ضربه تیغ تباہ کرده و در مصاف حنین به قوت اصطبار لشکر انصار را در پناه آورده...^{۵۹}

وی در «مهمان نامه بخارا» - که آن را در سال ۹۱۵ تمام کرده - فصلی را به فضیلت زیارت امام رضا (علیه السلام) اختصاص می دهد. او امام رضا (علیه السلام) را «مظهر علوم نبوی و وارث صفای مصطفوی و امام برحق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت به حق استقامت خود» می شناساند.^{۶۰} او قصیده ای را که «سابقاً که عزم زیارت مشهد مقدس حضرت امام بود» سروده در اینجا آورده و در برخی از ابیات، اعتقادش به دوازده امام را چنین بیان می کند:

ص: ۴۰

مهمینا به حبیب محمد عربی*** به حق شاه ولایت علی عالی فن

بهر دو سبط مبارک به شاه زین عباد*** به حق باقر و صادق به کاظم احسن

به حق شاه رضا ساکن حظیره قدس*** به حق شاه تقی و نقی صبور محن

به حق عسکری حجت خدا مهدی*** کزین دوازده ده نجات روح و بدن^{۶۱}

فدای خاک رضا باد صد روان امین*** که اوست چاره درد و شفیع ذلت من

فضل به دنبال آن از زیارت «خلیفه الرحمانی» یعنی محمدخان ازبک، از مشهد مقدس یاد می کند و اینکه «بر فوق بارگاه حضرت امام، محلی که نقاره نبوت حضرت امام می زنند، جماعت نقارچیان اردویه همایون و نقیرچیان ایستاده، مترصد آنکه چون موکب همایون برسد نقاره کوبند و نقیر نوازند».^{۶۲} پس از آن از خضوع سلطان در برابر بارگاه امام یاد می کند و در ادامه، حدیث سلسله الذهب را برای تبرک نقل و ترجمه می کند.^{۶۳} وی در ادامه یاد از خضوع شاه، مطالبی آورده که نقل آنه ا برای شناخت موضع ابن روزبهان مفید است «... و چون از کشیدن سفره، فراغ حاصل آمد نقباء روضه مطهره و سادات و خدام، علمی سبزی مهیا

۵۹. عالم آرای امینی، صص ۱۵ - ۱۶

۶۰. مهمان نامه بخارا، ص ۳۳۶.

۶۱. همان ص ۳۳۸؛ متن کامل اشعار را در انتهای شرح حال امام رضا (علیه السلام) در کتاب حاضر آورده ایم.

۶۲. همان ص ۳۳۹.

۶۳. همان صص ۳۴۳ - ۳۴۵.

ساخته همچون علم اخضر اهل بیت که سایه افکن اهل اسلام و رایت دولت افزای اصحاب ایمان است، با عصا و شمشیری، غلاف او در پولاد گرفته و هیئت صنعت به غایت نفیس مصنوع ساخته و می نمودند که سالهاست که از نفایس مخزونات خزینه روضه مقدس است و دیگر اساس پادشاهانه به رسم پیشکش پیش آوردند و عرضه داشتند که این علم و شمشیر حضرت امام است که سزاوار موكب حضرت خلیفه زمان و امام انام است ؛ چون علم و شمشیر پیش حضرت آوردند، حضرت خلیفه الرحمانی از مقام اعظام و اکرام رعایت ادب و حرمت فرموده به قیام و استقبال اقدام نمودند و رسوم تکلفی که در گرفتن علم و شمشیر از پادشاهان بزرگ می باشد بجای آوردند؛ فی الجمله از شرایط تعظیم و رعایت لوازم ادب و احترام که دلالت بر کمال مودت و موالات با اهل بیت می کرد دقیقه غیر مرعی نماند؛ چنانچه بر همگان کمال

ص: ۴۱

ارادت و موالات و محبت و موالات ایشان یا ائمه اهل بیت ظاهر و باهر باشد بی آنکه از جاده متابعت اهل سنت و جماعت در اعمال و افعال و اعتقادات قدم بیرون نهند همچو جماعت منحوسه قزل بورک (صفویان) دمرهم الله تعالی تدمیرا که ایشان موالات اهل بیت را منحصر می دانند بر سب و لعن صحابه کرام ؛ چه کمال محبت آنست که رعایت ادب با تمام دوستان و ارقاب و احباب محبوب بجای آورند. وی به دنبال آن شعری سروده که حب اهل بیت با حب صحابه باید همراه باشد.^{۶۴} نکته ای که از مهمان نامه بخارا بدست می آید این است که وی در نقل حدیث سلسله الذهب از یکی از شیوخ خود نام می برد که از شرفای مکه بوده است یعنی : «الشریف محبی الدین عبدالقادر الحسینی الحنبلی المکی قاضی القضاء الحنبلیه بالحرمین الشریفین و امام الحنابلہ فی حرم مکه بحذاء الحجر الاسود قدس الله روحه ». بدنبال آن آورده که او اجازه روایتی از «شیخ الامام ابن الصباغ المالکی رحمه الله» داشته و او نیز حدیث را در کتاب الفصول المهمة فی معرفه احوال الائمة آورده است. از این ارتباط چنین بدست می آید که ابن روزبهان، ع لاوه بر آنکه در زمینه های فکری صوفی منشانه خود علاقه به ولایت اهل بیت داشته، در مکه نیز متأثر از سنیان شیعی اعم از حنبلی و مالکی بوده است. کتاب ابن صباغ از آثار معروف سنیان دوازده امامی است که بخشی از مطالب آن از کشف الغمه گرفته شده است.

علیرغم همه این مطالب، ابن روزبهان پس از بازگشت از نزد سلاطین آق قویونلور در سال ۸۹۸ هـ به اصفهان، اندک اندک با ظهور صفویان در ایران روبرو شد. او پیش از آن، در کتاب عالم آرای امینی که آن را در شرح وقایع سلطنت سلطان یعقوب (م ۸۹۶) نگاشته بود تندی های زیادی به اجداد شاه اسماعیل کرده بود.

درگیر شدن اجداد او با سلاطین آق قویونلو اقتضاء کرده بود تا ابن روزبهان در دفاع از مخدومان خود، مطالبی برضد خاندان شیخ صفی بنویسد. این مطالب بسیار تند بوده^{۶۵} و طبعاً باروی کار آمدن

ص: ۴۲

اسماعیل، صفویان بی اندازه از مؤلف دلخور بوده اند. این نکته ای است که ابن روزبهان بدان توجه داشته است. در همین گیرودار، در سال ۹۰۹، وی کتاب نهج الحق علامه حلی را یافت و نقد تنیدی که حاوی فحاشی های زیادی نیز نسبت به علامه بود نگاشت و فاصله خود را با حکومت جدید زیاده تر کرد. علاقه او به مسائل سیاسی و کنجکاوی ویژه اش، وی را بر آن داشت تا به نزد دشمنان صفویه یعنی از بکان رفته و قدم به قدم آنها را در مبارزه شان بر ضد صفویان تقویت کند.^{۶۶} حرکت سیاسی وی در برخورد با اجداد شاه اسماعیل و حرکت فکری او در برخورد با نهج الحق، سبب بدنامی او نزد حکومت جدید و پیروان شیعی آن گردید.

۶۵. او با ستایش از طریقه ارشادی اجداد صفویه به ویژه شیخ صفی الدین، از قدرت طلبی فرزندان وی، از شیخ جنید به بعد بسیار بدگویی می کند و می گوید: (شیخ جنید) سیرت اجداد تغییر داد و مرغ و سوس در آشیانه خیالش بیضه هوای مملکت داری نهاد و باز فکر را جهت صید مملکت هر ساعت به تسخیر بومی و کشوری می کشاند...: چه شد کز فقر میل جاه کردی*** به جای خانقه خرگاه کردی به تیغ از خلوت وحدت بریدی*** عصا افکندی و نیزه گزیدی

وی در ادامه به تفصیل از اباحه گری در مرام صوفیان صفوی سخن گفته و از جمله درباره ظلم آنها به مردم می نویسد: از جمله گفتند چون او را با کسی از مردم اردبیل مظنه عداوتی بودی به انواع اموری که غلات ظلمه از ارتکاب امثال آن مجتنب و محترز باشند تعرضات بلیغ می رسانید. یکی از تعرضاتش آن بود که سگی زنده را به نفط و کبریت سرپای جلد ملطخ می ساخت و شب هنگام این مظلوم با اطفال در خانه خود نشسته بود، مریدانش آتش در آن سگ نفط آلود زدندی و چون صاعقه قهر از روزن آن درویش درصحن سرایش فکندندی؛ سگ از تاب التهاب آتش به هر گوشه می دوید و امتعه خانه را درصدد احراق می کشید. و اگر کسی تأمل نماید در این حرکت شنیعه، انواع قباح و ظلم مندرج یابد. گویند همگان او را معبود خویش می دانستند و از وظایف نم از و عبادت اعراض کرده جنابش قبله و مسجود خود می شناختند شیخ هم دین عبادت را برای ایشان ترویج داد و قواعد شریعت خرمیان بابکی در میانشان نهاد از غایت مکاری در سر، کلاه صوفیانه و در بر، خرقه درویشانه و جوشن ها در خانه ساخته و تیغ ها برای جنگ پرداخته. (نک: فرهنگ ایران زمین، ج ۴ صص ۱۸۰-۱۸۲) همین مقدار در نشان دادن سواقی برخورد ابن روزبهان با صفویان کفایت می کند.

۶۶. در باره ضدیت وی با صفویان نک: مهمان نامه صص ۴۴، ۴۵، ۵۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۳۴۶ و مقدمه مهمان نامه صص ۲۸-۲۹، تاریخ ادبیات ایران، براون ج ۴، ص ۸۸، مقدمه سلوک الملوک ص ۱۶ و متن آن ص ۳۹۸. ابن روزبهان در ص ۱۰۴ مهمان نامه می نویسد:... چه همگی عظم خسروانه آن حضرت (سلطان شیبانی) متوجه آنست که عار قدحی که از ممر کفر و ابتداء و نفاق طایفه مخدوله قزل قلیاق [قزلباش] بر دامن ارض آل محمد صلی الله علیه [وآله] و سلم نشسته به صافی زلال تیغ آبدار پاک سازد و آثار آن ملاعین مناحی را به جر عساکر نامدار از روی روزگار بپردازد... تا اکنون که این طایفه منحوسه منکوسه قزل قلیاق در معظم ممالک اسلام از آذربایجان و فارس و کرمان و عراق پیدا شدند و اساس سنت و جماعت را مطلقاً ویران ساختند و بنیاد کفر و عدوان را به افشای آرای باطله و نشر عقاید عاقله راسخ گردانیدند... مقتضی آن شد که حق تعالی تدارک فساد که از آن مخدولان ظهور یافته به صلاح حارث موعود که معنی او مصلح فی الارض است بفرماید و عارلوثی که از طعن و قدح در آن محمد صلی الله علیه [وآله] و سلم به واسطه گفتار و کردار آن

قاضی نورالله شوشتری در سال ۱۱۰۴ کتاب احقاق الحق را در رد بر او نوشت.^{۶۷} این باعث شد تا در آثار بعدی، مورخان ایرانی ابن روزبهان را به عنوان سنی متعصب شناخته و او را در خصلت شیعه ستیزی در حد ابن تیمیه بشناسانند. حسن روملو از معاصران او درباره وی می نویسد: «(محمدخان) او را دائم به واسطه عداوت اهل بیت طعنه می زد»^{۶۸} نویسنده معاصر نیز او را «از نمایندگان بزرگ سنت دراز آهنگ شیعه ستیزی» شناسانده است.^{۶۹} روشن است که این تصویر، هیچ ارتباطی با شخصیت ابن روزبهان ندارد. البته او ضد صفویان بوده و علاوه بر ازبکان، سلطان عثمانی یعنی سلطان سلیم را نیز بر ضد صفویان تحریک می کرده، اما این حرکت او را بیشتر باید یک اقدام سیاسی دانست تا فکری.

این مبحث با مروری بر کتاب وسیله الخادم الی المخدم او بهتر روشن می شود.

ابن روزبهان در کتاب «وسيلة الخادم الی المخدم»

ابن روزبهان در این اثر به عنوان یک سنی منصف و علاقمند به اهل بیت - چیزی نزدیک به علاقه و عقیده ای که شیعه به اهل بیت و چهارده معصوم دارد - ظاهر می شود. او هیچگاه خود را به عنوان یک امامی مذهب نمی شناساند و گرچه به سنی بودن خود نیز تصریح نمی کند اما به خوبی روشن است که کتاب از منظر خاص یک سنی دوازده امامی نگاشته شده است. به علاوه، او هیچ یادی - به صورت تحسین یا تقبیح - از

طایفه فجّار اشار نابکاربر دامن عصمت و طهارت آن طایفه طیبه طاهره از عترت زاهره که صاحب مناقب و مقامات باهره اند نشسته به زلال شمشیر آبدار بردارد.

وی ضمن شعری در تحریک سلطان عثمانی برضد قزلباشان چنین می گوید:

اگر ملک شریعت مستقیم است*** همه از دولت سلطان سلیم است
زیبمت در تزلزل فارس و ترک*** چو افکندی به سر تاج قزل برک
فکندی تاجش از سر ای مظفر*** کنون بفکن به مردی از تنش سر
قزل برک است همچون مار افعی*** سرش را تا نکوبی نیست نفعی
تویی امروز ز اوصاف شریفه*** خدا را و محمد را خلیفه
روا داری که گبر و ملحد دد*** دهد دشنام اصحاب محمد

نک: مقدمه سلوک الملوک، ص ۱۶. با این حال نباید از انصاف گذشت که او با همه تندیهایش بر ضد صفویان فرقه امامیه را جزء فرقه های اسلامی می دانست. او در سلوک الملوک ص ۳۹۷ می نویسد: و شک نیست که شیعه امامیه از فرقه های اسلامند و اقامت جمعه و اعیاد و نصب قضات بر طریق اهل اسلام می نماید. غایتش آنکه ایشان مبتدعاند و پادشاه ایشان قضات و مفتیان شیعی مذهب نصب کرده است.

۶۷. در دهه های اخیر کتاب دلائل الصدق از علامه محمد حسن مظفر در رد ابن روزبهان نوشته شده است. در این کتاب متن ردیه ابن روزبهان نیز آمده است.

۶۸. احسن التواریخ ص ۲۲۶.

۶۹. در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، ص ۱۹۳.

خلفای نخستین نمی‌کند،^{۷۰} گرچه از معاویه بدگویی داشته، برخورد او را با اهل بیت از «خصال کفر» شمرده و بر این اساس لعن او را تجویز می‌کند. ابن روزبهان درباره انگیزه تألیف این کتاب که در شرح حال چهارده معصوم است می‌نویسد: «اما بعد؛ نموده می‌شود که در تاریخ سابع (و) عشرين شهر رجب المرجب سنه تسع و تسعمائه، این ضعیف نحیف فضل الله بن روزبهان الامین الاصبهانی را - فرج الله همومه ببركة الائمة المعصومین - از حوادث روزگار و نوابی چرخ ناپایدار انواع شداید و کربات و اصناف و محن و بلیات پیش آمده بود کربت غریب با محنت خوف و شدت مضموم شده و فراق اخوان به اجلاء اوطان قرین گشته و عدم مساعدت حال و فقدان اعوان و احباب موجب کمال ملال شده ... فی الجملة از غلبات هموم و غلوی عموم در حال خود تحریری داشتم». این پریشانی قاعدتاً باید بدنبال تحولاتی باشد که در پی روی کار آمدن شاه اسماعیل و رسوخ صفویان به عراق عجم رخ داده است؛ امری که مؤلف ما را به وحشت انداخته و از اصفهان آواره کرده است.

این سبب شد تا در اندیشه توسل به اصحاب قبور فرو رود: «اندیشه کردم تا از اصحاب قبور جماعتی اختیار کنم، جهت استعانت که قبر هر یک بیت المعمور جهان آخرت و کعبه مقاصد اصحاب حاجت باشد»، او مقصود خود را «محصور در چهارده معصوم پاک که قبور ایشان همچون صندوقهای افلاک زیور خاک است» یافته و از آنجا که نمی‌توانسته مراقب آن بزرگواران را زیارت کند «به صدق تمام و توجه کامل، دل را به محبت و ولای ایشان مشعوف» گردانده است. بدنبال آن، مصمم شده تا متن صلواتی را نسبت به آن عزیزان تدوین کند، زیرا «طریق نجات از بلیات و سیل حصول مقاصد

ص: ۴۵

و حاجات در این توجه و ابلاغ صلوات منحصر دیدم». از این جا بود که «صورت ترکیب صلواتی مرتب که مشتمل بر شمه از جلال مناقب و جزایل مآثر و مفاخر ایشان بود در خاطر ورود یافت؛ فی الحال آن را از لوح ضمیر به اعانت کَلک تحریر تصویر کردم». اما از آنجا که این متن عربی بود و به علاوه به برخی از مناقب امامان، تنها اشاراتی شده بود، نیازمند شرحی فارسی می‌بوده است «چون ترکیب آن صلوات مشتمل بود بر بسی از احوال و مناقب و اوصاف به این اجله کرام و ذکر القاب و واقعات قبور و مراقب ایشان در فحوای آن اندراج داشت، یکی از دوستان که به مطالعه آن مشرف شده بود، التماس نمود که آن صلوات را شرحی نوشته گردد که متضمن بیان لغات و حل اشارات به احوال و واقعات و اسباب وفات و بیان وجه تلقب ایشان به آن القاب باشد و فی الجملة مجمل سیر آن چهارده معصوم از فحوای آن معلوم گردد». او در انتهای مقدمه می‌نویسد: «ان شاء الله پس از اتمام، موسوم به کتاب وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم خواهد شد». مؤلف در مقدمه به «غربت» و «فراق اخوان» و «اجلاء اوطان» اشاره می‌کند. می‌دانیم که

۷۰. در بیان غزوه خیبر، هیچ یادی از صحابه ای که ابتداء پرچم را در دست گرفتند اما نتوانستند کاری انجام بدهند نکرده (ص ۱۰۹) با اینکه روشن است که آنها دو نفر از صحابه بودند که بعداً خلیفان و دوم شدند.

تألیف ابطال نهج الباطل نیز سال ۹۰۹ بوده و در قاسان؛ اما اختلافی وجود دارد که آلی این قاسان همین کاشان عراق عجم است یا قاسان ماوراءالنهر.^{۷۱} اکنون از متن این کتاب چنین بدست می آید که وی در این سال در کاشان بوده و این کتاب را نیز در آنجا تألیف کرده است. او در این کتاب تصریح می کند که قصد سفر از کاشان به سمت خراسان را دارد.

علاوه بر این مقدمه، یادداشتی نیز از مؤلف بر روی نسخه کتاب آمده که کاتب نسخه ما عین آن را در اینجا آورده است. مؤلف در این یادداشت پس از اشعار چندی راجع به امام رضا (علیه السلام) که از خود اوست - چون تخلص وی که امین است در شعر آخر آمده - اشاره می کند که در سال ۹۱۲ که در هرات بوده این یادداشت را که وقف نسخه

ص: ۴۶

مذکور برای آستان قدس رضوی است نوشته است. او در این یادداشت تولیت این نسخه را برای تقیب سادات خراسان جمال الدین محسن الحسینی الموسوی الرضوی قرار داده «که این کتاب را در هر محلی که مصلحت داند حفظ و ضبط فرماید و در اوقات اجتماعات و اطراف نهار، آن را در روضه مقدسه رضویه حاضر گرداند تا مردم از قرائت آن استماع فرمایند».

مؤلف علاوه بر مطالبی که در این یادداشت و نیز مقدمه کتاب در باره خود آورده در برخی از موارد کتاب نیز اشاراتی درباره خود دارد. او در یک مورد پس از بیا ن مطالبی درباره معجزات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) اظهار می کند که «اگر مهلتی باشد، ان شاء الله تعالی مجلد صخم به زبانی عربی در این مطالب تألیف کنیم و آن را جامع المعجزات نام سازیم». در بین آثاری که از او یاد کرده اند از چنین تألیفی یاد نشده و ممکن است که اساساً آن را تألیف نکرده باشد. همچنین او در ادامه نقل فضایل امام علی (علیه السلام) می گوید: «و اتفاق علماست که در فضیلت، هیچکس آن مقدار احادیث ثابت نشده که در فضیلت آن حضرت؛ و درین مقام تفصیل آن آیات و احادیث اگر یاد کنیم این مجلد برتناهد و ان شاء الله در کتابی علی حده جمع کنیم».

ابن روزبهان در ضمن شرح حال امام حسین (علیه السلام) و مصایبی که بر آن حضرت وارد شده می نویسد: «و این فقیر را طاقت نوشتن تفصیل آن حکایت نبود، زیرا که تمام جوارح فقیر می لرزد و چندان شدت مصیبت در فقیر اثر می کند که هوش و توانایی و عقل و دانایی مرا محو می کند و در تکرار و بیان آن فایده چندان نیست به جز شادکامی خوارج و دشمنان». البته او در ادامه با یاد از فایده یاد از آن مصایب از

۷۱. آقای محمد امین خنجی در لارستان کهن (از: احمد اقتداری) آن را کاشان دانسته؛ بعداً در فرهنگ ایران زمین ج ۴، ص ۱۷۳ آن امر را نادرست دانسته و محل تألیف را قاسان ماوراءالنهر یاد می کند. آقای ستوده این نظریه را نمی پذیرد و همان کاشان را درست می داند (مقدمه مهمان نامه ص ۲۴)؛ آقای محمد علی موحد نیز عقیده آقای ستوده را رد کرده است (مقدمه سلوک الملوک ص ۱۱)، و البته نظر آقای ستوده درست است

تأثیر آن در کاهش مصایب شخصی سخن می گوید. او در دو صفحه بعد می نویسد: «فی الجمله واقعه ای در اسلام از این عظیم تر واقع نشده؛ لعنت خدای به عدد علم خدای بر هر کس باد که به قصد آن حضرت در آن جنگ حاضر شده و در آن شریک بوده و بدان راضی بوده و بدان راضی باشد؛ و بر آنها که بر پدر بزرگوار و جد عالی مقدار و برادر و مادر آن حضرت - علیهم الصلوات والسلام - ظلم و جور کردند و رنجانیده اند تا روز قیامت و بدان امر کرده باشد». مؤلف با اشاره به حرز امام صادق (علیه السلام) می نویسد: «و بحمدالله تعالی این فقیر

ص: ۴۷

ضعیف آن را یاد دارم و از اوراد فقیر است که سالهاست بدان مواظبت می نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمدالله و حوله و قوته از شرّ اعدا مصون و محروسم». وی با اشاره به سند حدیث سلسله الذهب که تمامی روات آن امامان معصوم هستند، تبرک به آن را یادآور شده و می نویسد: «و این فقیر حقیر تجربه کرده ام که هر مریض که او را عیادت کرده و اجل او نرسیده بود، من به صدق این اسناد برو خوانده ام؛ حق او را در روز شفا کرامت فرموده و اثر صحّت فی الحال درو ظاهر شده؛ و این از مجربات فقیر است».

وی در جای دیگری ضمن نقل فضائل امام رضا (علیه السلام) و دفن ایشان در طوس می نویسد: «رجای کمترین بندگان فضل الله بن روز بهان الامین واثق است به الطاف الهی که این فقیر حقیر را امثال زیارت مرقد مطهر و مشهد منور آن حضرت بخیر عافیت روزی گردد و قرائت این کتاب وسیله الخادم الی المخدم در آستانه آن مرقد مطهر جهت دوستان و محبان و موالیان اهل البیت نموده شود چه ولا و تولای آن حضرت شیمه دیرینه این فقیر و محبت و استمداد از آن حضرت نقد خزینه سینه این حقیر است و در هر واقعه ای که پیش آید، استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می دانم و در هر هائله و داهیه، روح مقدّس آن حضرت را عون و مددکار می خواهم».

وی سپس از خوابی یاد می کند که در شب جمعه، دهم صفر سال ۹۰۶ در محله شهرستان اصفهان - که آن را «منشأ و مسکن» خود می داند - یاد می کند؛ او امام رضا (علیه السلام) را به خواب دید که سوار شیری شده و مؤلف نیز در رکاب او بوده است؛ وی به همین مناسب شعری در منقبت امام شروده و شعر خود را نیز در متن آورده است. او سپس از مصیبتی که در ایام تألیف این کتاب گرفتارش بوده یاد کرده و یاد آور شده که «این فقیر از حوادث روزگار و نوایب چرخ ناپایدار، مهجور از اوطان و اخوان در بلده کاشان به عزم سفر خراسان موقوف مانده بودم». او علاقمند بوده که در آن سال بتواند مرقد امام رضا (علیه السلام) را زیارت کند. وی در جایی دیگر از خداوند خواسته که «امسال ما را زیارت روضه مقدسه آن حضرت به خیر و عاقبت روزی» گرداند.

همانگونه که در آغاز این بحث اشاره شد، مطالعه کتاب برای کسی که آشنای با فرهنگ شیعه و سنی

باشد، به خوبی نشان می دهد که مؤلف سنی است؛ جز آنکه سنی

معمولی نیست، زیرا این مقدار تولی که سبب شود او کتابی مفصل در شرح حال چهارده معصوم بنگارد و ضمن آن بسیاری از معجزاتی که در شرح حال آن بزرگواران نقل شده، ذکر کند در سنیان معمول دیده نمی شود. این تذکر بدان جهت مطرح می شود که کسی نپندارد کتاب تال یف یک شیعه امامی است، بنابراین نمی تواند از ابن روزبهان باشد. با توضیحاتی که در صفحات گذشته داده شد و نیز اطلاعاتی که مؤلف در کتاب خود، در باره خودش آورده جای هیچگونه شبهه ای باقی نمی ماند، به علاوه که اکنون دو نسخه در اختیار داریم. البته در یک مورد در کتاب آمده است که «و او (امام جواد) بعد از پدر خود حضرت امام رضا (علیه السلام)» امام شد به نص از قبل پدر خود و هیچ نزاعی در میان ما امامیه نیست. «به نظر ما، نوشتن این «ما» باید سهوی از سوی کاتب باشد؛ به عبارت دیگر کلمه ما در اینجا زاید است و وجود آن امر با کلیت کتاب طبیعی نمی نماید. شاید که هم مؤلف عیناً در کشف الغمه آن را نقل کرده باشد. در دو مورد دیگر، در زندگی امام دهم و یازدهم به جای این عبارت آمده است که «و هیچ خلافت در امامت او نیست». او در کجای دیگر کتاب که عقیده امامیه را بیان می کند صرفاً اکتفای بدان دارد که امامیه بر این اعتقادند، گویی به امامیه به عنوان گروهی که خود به آنها تعلق ندارد سخن می گوید، چنان که در برابر رأی اهل سنت را نیز می آورد.

در اینجا مناسب می نماید تا برای شناخت موضع فکری او به بحثی که تحت عنوان تولی و تبری دارد اشاره کنیم. در این بحث، او ابتدا عقیده امامیه را بیان کرده آنگاه به بیان عقیده اهل سنت می پردازد. پس از آن در مقام قضاوت، نزاع آنها را صرفاً لفظی می داند. او ابتدا عقیده و ادله امامیه را درباره تولای اهل بیت (علیهم السلام) یاد می کند، یکی آیه *أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ* و دیگر حدیث غدی، سپس می گوید «و مذهب امامیه آن است که این تولی و تبری هر یک جزء ایمانند و اگر کسی تولی و تبری به معنی مذکور نداشته باشد مؤمن نیست». بعد از آن به بیان عقیده اهل سنت می پردازد: «اهل سنت بر آنند که تولای حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) واجب است بر بنده و تبرای از دشمنان او فرض عین بر هر مؤمنی»؛ اما تفاوت در آن است که امامیه معتقدند نص مستقیم درباره تولای اهل بیت وجود دارد، در صورتی که اهل سنت از باب آنکه «علی و ائمه اثنا عشر محبوبان حضرت

پیغمبر که آن جزو ایمان است محقق شود، محبت ایشان (را) جزو ایمان» می دانند. حاصل آنکه «ظاهر شد که تولی و تبری به اتفاق فریقین جزو ایمان است و نزاع در آن است که علی حده باید یاد کرد و جزوی علی حده باید شمرد» یا داخل در ایمان به رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) است؛ به اعتقاد او نزاع سنت و شیعه در این بحث «زاعی بسیار اندک» است «و قریب است به نزاعهای لفظی». از این بحث جز آنکه تسنن مؤلف بدست می آید، به خوبی روشن است که او در این اثر قصد آن را نداشته است که شیعیان را برنجانند.

در این باره به حقیقتی باید توجه کرد. مؤلف در جمادی الثانیه سال ۹۰۹ کتاب ابطال نهج الباطل را در رد علامه حلی نگاشته است. اما چندی نگذشت که دامنه تصرفات شاه اسماعیل به حدود اصفهان کشیده شد. مؤلف در رجب این سال یعنی درست یک ماه پس از اتمام آن تألیف، در اندیشه نگارش این اثر می افتد و البته این تاریخ آغاز این تألیف است، زیرا در مقدمه کتاب که این تاریخ آمده آورده است که اگر این اثر اتمام یافت آن را موسوم به کتاب وسیلة الخادم الی المخدم» خواهد کرد.

شاید او می خواسته تا تحفه ای برای نزدیک شدن با صفویه آماده کند! شاید هم می خواسته اظهار کند که اگر ابطال نهج الباطل را نگاشته نمی خواسته تا با اهل بیت (علیهم السلام) دشمنی کند؛ حتی نمی خواسته میان سنی و شیعه نزاعی ایجاد کند تا جایی که در بحث مهمی چون تولی و تبری، نزاعی را لفظی می شناساند. وی در ادامه همان بحث، درباره تبری بحث کرده و معاویه را به عنوان کسی که خصال کفر بر او صادق و قابل لعن است معرفی می کند، اما هیچ سخنی از خلفای نخست در سراسر کتاب به میان نمی آورد.

گفتنی است که وی در باره حضرت مهدی (علیه السلام) بحث مفصلی کرده و پس از نقل اقوال مختلف در باره این که آیا آن حضرت زنده است یا نه، و این که آیا او همین مهدی است که امامیه به او معتقدند یا نه، می نویسد «پس به حسب احتیاط در آن امر موافقت با امامیه می کنیم و می گوئیم مهدی موعود محمد بن الحسن است و او قائم و منتظر است». و در جای دیگر می گوید: «حق آن است که حضرت مهدی متولد شده و امروز موجود است.» وی پس از نقل معجزه ای از حضرت مهدی در شفای یک مریض که آن را علی بن عیسی اربلی در کشف الغمه نقل کرده، تحت تأثیر آن قرار گرفته و اشعاری را در باره حضرت مهدی می آورد:

ص: ۵۰

در رهی دیدم مهی، حیران آن ما هم هنوز***عمر رفت و من مقیم آن سر راهم هنوز
چون نسیم صبحگاهی بر من بی دل گذشت***من نسیم وصل آن مه را هوا خواهم هنوز
می فزاید مهر او هر روز در خاطر مرا***گرچه من کاهیده ام از درد می کاهم هنوز
گرچه آه آتشینم خرمن جان سوخته***می رود تا اوج گردون آتش آهم هنوز
انتظار شاه مهدی می کشد عمری امین***رفت عمر و در امید طلعت شاهم هنوز
به هر روی باید گفت اثر حاضر یکی از آثار ارزشمندی است که تاکنون از آن آگاهی در دست نبوده است. ارزش کتاب علاوه بر اشمال آن بر اخبار امامان معصوم (علیهم السلام) نشانگر مرحله ای از تفکر مذهبی در ایران است. مرحله ای که نشان می دهد بخش وسیعی از عالمان و به تبع آنها توده های مردم به ائمه معصومین علاقمند بوده و زمینه را برای رشد تشیع فراهم کرده اند. اینکه چرا فضل الله به صفویان نپیوست، شاید دلیل آن دهن کجی او در حدود پانزده سال قبل به این خاندان بود که به او اجازه نزدیک شدن به آنها را نمی داد. می دانیم که صفویان در نشر تشیع در ایران با مقاومت چندان ی روبرو نشدند؛ این را باید در این مرحله، ناشی از نزدیک شدن سنیان به مذهب تشیع دانست.

مؤلف، کتاب حاضر را وقتی نوشته که منابعی در دسترسش نبوده است . او این مطلب را در مقدمه یادآور شده؛ همین امر سبب شد تا اخبار برخی از امامان را به امام دیگری نسبت داده و یا در مواردی دچار اشکالات تاریخی شود. ما برخی از این موارد را در پاورقی یادآورد شده ایم. کتاب حاضر علاوه بر جنبه دینی از حیث ادبی نیز قابل توجه می باشد و این امری است که متخصصان فن باید بدان بپردازند.

ص: ۵۱

صلواتیه ها

در ادب دعایی مسلمانان بویژه شیعیان فصلی تحت عنوان صلواتیه وجود دارد . این فصل در امتداد آیه إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا در میان مسلمانان رواج یافته است. در این باره از خود رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایاتی نقل شده که حضرت کیفیت صلوات را به مردمان تعلیم فرموده اند. بخشی از مباحث این صلواتیه ها ملحق کردن اهل بیت به آن حضرت در فرستادن صلوات است . در این زمینه اختلاف نظرهایی میان شیعه و سنی پدید آمده که بخشی از آنها را فضل بن روزبهان در مقدمه ای که بر صلواتیه خود نوشته آورده است.

از جمله آثاری که در باره صلوات نگاشته آمده کتاب دلائل الخیرات و شوارق الانوار فی ذکر الصلاة

علی النبی المختار از شیخ ابو عبدالله محمد بن سلیمان حسنی (م ۸۵۴ ق) است.^{۷۲}

نمونه های دیگر عبارتند از: الاعلام بفضل الصلاة علی خیر الانام از ابو عبدالله محمد نمیری (م ۵۴۴)؛ الفجر المنیر فی الصلوة فی البشیر النذیر از تاج الدین ابو حفص عمر بن علی اسکندری (م ۷۳۱)؛ دفع النقمه فی الصلاة علی نبی الرحمة از شهاب الدین تلمسانی (م ۷۷۶)؛ القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع از شمس الدین ابوالخیر محمد مصری شافعی (م ۹۰۲)؛ الدر المنضود فی الصلوة علی صاحب المقام المحمود از احمد بن حجر هیتمی (م ۹۷۳)^{۷۳}

یکی از آثاری که مباحث کلی صلوات را بحث کرده کتاب تحفه الصلوات^{۷۴} از ملاحسین کاشفی است. وی در این اثر، در چندین فصل مطالبی را در باره صلوات آورده است : در نکات متعلقه به آیه صلوات، در معنی صلوات و تسلیم، در مباحث وجوب و استحباب صلوات، در کیفیت صلوات و تسلیمات، در فضائل و فوائد صلوات، در مذمت

ص: ۵۲

۷۲. نک: فهرست مرعشی، ج ۵، ص ۸۸، ش ۱۶۹۳؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۷۵۹؛ فهرست کتابهای چاپی عربی مشار،

ص ۳۶۶، کتابخانه مجلس، ش ۷۴۲۳، ۱۲۳۳۱

۷۳. نک: میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ص ۶۵۷ - ۶۵۸

۷۴. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه های ایران و جز آن موجود است از جمله: مجلس، ش ۱۲۴۹۸، دانشگاه تهران، ش

۸۹۹۴، ۹۱۸۳. (با تشکر از آقای حافظیان)

تارک صلوات، در آداب مصلی قبل از شروع آن، و خاتمه در بیان صلوات متنوعه . کاشفی به دستور خدیجه بانو همسر سلطان حسین باقر این کتاب را تلخیص کرده که نسخه آن موجود است.^{۷۵}

در میان صلواتیه ها، آثاری وجود دارد که انشا صلواتی است مطابق ذوق مؤلف در ستایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت . نمونه هایی از این صلواتیه ها از قدیم در دسترس بوده است . از جمله: صلواتیه منسوب به م حیی الدین عربی که در باره ائمه معصومین علیهم السلام است ؛ صلواتیه خواجه نصیر طوسی است که به دوازده امام شهرت دارد و میرقوام الدین حسینی رساله الباقیات الصالحات را در شرح آن نوشته است .^{۷۶} خود این میرقوام صلواتیه ای با نام تحیات طیبات نوشته است . صلواتیه دیگر با عنوان انشاء الصلوات و التحیات از شیخ علی بن حماد و سید عبدالکریم جزایری نوشته شده است . برخی از رساله ها و کتابهای دیگر در این زمینه عبارتند از: دوازده امام از محمد دهمدار، صلوات کبیر بر پیغمبر از رضی بن ابراهیم شعبی، سرور صدور الاولیا از علم الهدی، صلوات و فضائل آن از سید محمد رضوی اصفهانی و فضل صلوات بر پیامبر از سید احمد حسینی اردکانی.^{۷۷} آثار دیگری که آقابزرگ یاد کرده عبارتند از: الصلوات و التحیات از فیض کاشانی، الصلوات المنظوم از مولی محسن بن مولی سمیع بن حسین بن علم الهدی بن فیض کاشانی، الصلواتیه از محمد بن فرج نجفی از معاصران شیخ حر عاملی که به عنوان مجلد دوم زیرالاولین و الاخرین نوشته شده است.^{۷۸} و ضیاء المستضیین از عتیق بن حسین موسوی .^{۷۹} صلواتیه فضل بن روزبهان در ردیف همین صلواتیه هاست. وی ابتدای صلواتی را انشا کرده و سپس به شرح آن پرداخته است. در این شرح به طور کلی بیان زندگی و ویژگیهای امامان مورد نظر وی بوده است.

ص: ۵۳

نسخه های کتاب

زمانی که بنده در جستجوی آثار سنیان دوازده امامی بوده و در انتظار رسیدن کتابی در بخش محققان کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی نجفی رحمه الله نشسته بودم فرصتی برای مرور بر یکی از مجلدات فهرست نسخه های خطی کتابخانه مزبور دست داد ؛ لحظه ای که کتاب را باز کردم اثر حاضر را که یکی از بهترین شاخصها در تاریخ تسنن دوازده امامی است در آن یافتیم ؛ بی درنگ آن را درخواست و ملاحظه کردم و متوجه شدم که با اثری پر ارج برخورد کرده ام. پس از جستجو در شرح حال فضل الله، گرچه زمینه ای برای این اثر در آثار وی یافتیم - مثل تلخیص و ترجمه کشف الغمه - اما نامی از این کتاب برده نشده بود . با بررسی

۷۵. فهرست کتابهای خطی کتابخانه های اصفهان ج ۱، ص ۲۶.

۷۶. این رساله به کوشش ابوالفضل حافظیان در میراث اسلامی ایران دفتر سوم چاپ شده است

۷۷. نک: میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، مقدمه رساله الباقیات الصالحات، ص ۶۵۸

۷۸. ذریعه، ج ۱۵، ص ۸۶، ۸۷

۷۹. ذریعه، ج ۱۵، ص ۸۶، ۸۷

محتوای کتاب نسبت آن به مؤلف کاملاً روشن شد. در آن موقع گزارشی از این اثر را در کتاب دین و سیاست در دوره صفوی چاپ کردم. مدتی بعد متن آن را به چاپ رساندم. تأسف من در آن زمان از آن بود که تنها یک نسخه از این کتاب در دست داشتم که صفحات چندی از آن ناقص بود. خوشبختانه اکنون که چاپ دوم آن صورت می گیرد، نسخه دومی هم در اختیار ما قرار گرفته که نواقص برطرف شده است.

نسخه کتابخانه مرعشی به نوشته فهرست نویس محقق کتابخانه، در سده دوازدهم از روی نسخه ای که وقف نامه مؤلف بر آن بوده کتابت شده است.^{۸۰} متأسفانه کاتب این نسخه به دلیل کم سواد و یا کم توجهی تعداد زیادی از لغات را به صورت نادرستی نگاشته بطوری که امکان شناخت درستی آن بدان صورت کم بود؛ و طبعاً به دلیل آن که تنها یک نسخه در دسترس بود امکان تصحیح کامل آن موارد نیز وجود نداشت. اگر اینها را به ضعف علمی محقق کتاب ضمیمه کنیم، حاصل جمع آن کاستیهای موجود در این چاپ است.^{۸۱} چاپ جدید این اثر با استفاده از نسخه ای که در مجموعه ۱۰۸۳۶ صص ۶۷۴ - ۷۴۰ کتابخانه مرحوم آخوند آمده (نک: فهرست مقصودی، ص ۴۵۳) انجام شده است.^{۸۲} و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

۸۰. فهرست نسخه های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی ج ۱۶، ص ۶۶، ش ۶۰۶۴.

۸۱. در قرائت درست تعدادی از موارد از کمک حضرت استاد شیخ محمد رضا جعفری و علامه سید احمد حسینی اشکوری دامت برکاتهما بهره برده ام.

۸۲. ناشر چاپ جدید انتشارات انصاریان است.

